



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

گزارش نظارت از وضعیت و عملکرد

محاکم و سیستم قضایی

در افغانستان

بهار سال 1390

## فهرست موضوعات

موضوع	صفحه
مقدمه.....	4
مبنا.....	6
هدف.....	6
روش (میتدولوژی).....	7
خلاصه یافته های گزارش.....	8
بررسی وضعیت فعلی سیستم قضایی و عملکرد محاکم.....	11
بخش نخست: بررسی وضعیت محاکم.....	11
1.1 تشکیلات محاکم و نقایص آن.....	11
2.1 تشکیلات قوه قضاییه.....	12
3.1 کمبود ها و کاستیهای تشکیل محاکم.....	14
1.2 حقوق و امتیازات قضات.....	15
2.2 تعمیر و وسایل ترانسپورته.....	16
1.3 حضور و غیابت قضات در محاکم.....	17
<b>1.4 دانش مسلکی قضات و برنامه های ارتقای ظرفیت.....</b>	<b>20</b>
1.5 دسترسی قضات به متون قوانین و سایر اسناد تقنینی.....	24
1.6 چالش های امنیتی.....	25
بخش دوم: بررسی عملکرد محاکم.....	28
2.1 حق دسترسی کافی به محاکم صالحه و قانونی.....	28
2.2 اصل استقلال و بی طرفی قضات.....	29
2.3 اصل تساوی در برابر قانون.....	30
2.4 اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها.....	33
2.5 اصل برائت الذمه.....	34
2.6 اصل تحصیل دلیل از راه های قانونی.....	36
2.7 اصل عدم تأخیر در روند رسیدگی قضایا.....	38
2.8 کمبود پرسنل قضایی و اداری.....	40
2.9 غیابت قضات.....	41
2.10 عدم حضور طرفین دعوا.....	41

42.....	2.11 کندی در جریان رسیدگی به قضایا
42.....	2.12 دسترسی و برخورداری از وکیل مدافع و مساعدت های حقوقی
52.....	2.13 عدم تطبیق کامل و به موقع فیصله های محاکم
52.....	بخش سوم: وضعیت اعتماد و رضایت مردم از عملکرد محاکم
55.....	پیشنهادات

## مقدمه

حاکمیت قانون و حکومت داری شایسته، از پیش شرط های اصلی انکشاف و توسعه در عرصه های مختلف می باشد. حاکمیت قانون در یک جامعه دموکراتیک نخستین ضرورت برای تحقق نظم، امنیت و تامین عدالت به شمار می رود و تنها در چنین وضعیتی است که می توان به رعایت و پاسداری حقوق و آزادی های مردم امیدوار بود. تامین حقوق و آزادی های مردم، رعایت حقوق بشر و تحقق نظم و عدالت تنها در سایه حاکمیت قانون امکان پذیر می باشد.

نظام حقوقی و سیاسی دموکراتیک مبتنی برحاکمیت قانون و معتقد به حقوق و آزادی های مردم و ملتزم به رعایت حقوق بشر و پاسخگو، وجود ابزار ها و ساختار های لازم برای تامین و تضمین اصل حاکمیت قانون، و نظام قضایی مستقل، مترقی و کارآمد از عناصر اصلی حاکمیت قانون می باشند. بنا براین وضعیت و عملکرد سیستم قضایی رابطه تنگاتنگ با اصل حاکمیت قانون و میزان رعایت و تضمین حقوق بشر و تامین عدالت دارد.

بررسی وضعیت و عملکرد سیستم قضایی و به طور خاص عملکرد محاکم از یک سو، موفقیت ها و ناکامیهای این دستگاه را در تامین و تحقق عدالت نشان داده و از سوی دیگر میزان رعایت حقوق بشر را در سطح کشور به نمایش می گذارد و در نتیجه به تصحیح نگرشها نسبت به وضعیت موجود کمک می کند.

به همین منظور، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان کمیته کاری متشکل از علی رضاروحانی؛ مشاور ارشد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، قاضی غلام نبی حکاک؛ مشاور بورد نظارت و ارزیابی و گزارشدهی، حسین علی معین؛ هماهنگ کننده بخش نظارت و بررسی از تخطی ها، لطیفه سلطانی؛ هماهنگ کننده بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان، محمد منیرخاشی؛ آمر بخش نظارت از تخطی ها و قاضی پروین رحیمی؛ آمر بخش حمایت از حقوق زنان دفتر ساحوی کابل را غرض جمع آوری، تجزیه، تحلیل، تهیه و تدوین گزارش تحلیلی از وضعیت و عملکرد محاکم به وجود آورد. این کمیته قبل از همه پرسشنامه هایی را تهیه و با راه اندازی جلسات رهنمودی برای همکاران دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بخش های نظارت و بررسی از تخطی های حقوق بشر، حمایت و انکشاف حقوق زنان و حمایت و انکشاف حقوق اطفال را وظیفه دادند تا مطابق به پرسشنامه های تهیه شده، معلومات ضروری و مورد نیاز را جمع آوری نموده و غرض تهیه گزارش تحقیقی نظارت از وضعیت و عملکرد سیستم قضایی به کمیته ارسال نمایند.

افزون بر آن درتهیه این گزارش از بانک اطلاعات (دیتابیس) موجود در کمیسیون، اعم از ثبت شکایات، نظارت از وضعیت رعایت حقوق بشر در روند اجراءات ارگان های عدلی و قضایی، تعقیب و رسیدگی قضایا و اشتراک در جلسات قضایی توسط ناظرین کمیسیون در هشت دفتر ساحوی و شش دفتر ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در تکمیل این گزارش تحقیقی کار گرفته شده است.

این کمیته معلومات به دست آمده از طرق و منابع مختلف و داده ها و یافته های گزارش شده از دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون را مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قراردادده و موضوعات را که ایجاب دریافت معلومات دقیق و بیشتر را می نمود، مجدداً از همکاران کمیسیون و سایر مسوولین مراجع عدلی و قضایی مطالبه نموده و غرض غنامندی و دقت لازم از آن استفاده به عمل آوردند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان امیدوار است نشر این گزارش تحلیلی بتواند ضمن انعکاس موفقیت های به دست آمده در زمینه تامین و تضمین عدالت توسط محاکم، نقایص، کاستیها و چالشهای موجود در کار محاکم که رابطه عمیق با وضعیت حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر در کشور دارد را بیش از پیش آشکار ساخته و باعث گردد تا تمامی دست اندرکاران امور، گامهای اساسی و اقدامات عملی، موثر و همه جانبه را برای اصلاح وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب بردارند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از کلیه ادارات و نهاد های دولتی و غیردولتی به ویژه از آمریت عمومی اداری ستره محکمه، مسوولین و قضات محترم محاکم استیناف و ابتداییه در ولایات، مسوولین محترم ارگان های عدلی و قضایی، ریاست مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه، بورد مستقل مساعدت های حقوق افغانستان، موسسات و نهاد های همکار با سیستم قضایی و ارائه دهنده خدمات حقوقی در کشور، شهروندان نجیب کشور که حاضر به مصاحبه شده و با ارائه معلومات لازم همکاران ما را در تهیه این گزارش یاری نمودند، سپاسگزار است.

همچنین از تمام همکاران بخش های مربوط در دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که توانستند با انجام مصاحبه ها و تهیه معلومات لازم از سراسر کشور در تهیه این گزارش با کمیته تهیه و تدوین گزارش، همکاری نمایند و از تمامی اعضای کمیته، به ویژه آقای منیر خاشی که در توحید و تدوین اولیه گزارش و آقای علی رضا روحانی که در تدقیق، باز نویسی و تدوین نهایی آن نقش موثر ایفا نمودند، سپاسگزاری می نماید.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

دفتر مرکزی

کابل

## مبنا

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که به موجب حکم ماده 58 قانون اساسی<sup>1</sup> به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان، بهبود و حمایت از آن فعالیت می نماید، در خصوص وظایف و صلاحیت های این کمیسیون و به منظور تحقق اهداف آن در ماده (21) قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تصریح شده است: " 1- نظارت بر وضعیت حقوق بشر 2- نظارت از تطبیق احکام قانون اساسی، سایر قوانین، مقررات، لوایح و تعهدات در رابطه به حقوق بشر 3- نظارت از اجراات و عملکرد های سیستم اداری، عدلی و قضایی، نهادها و موسسات انتفاعی و غیر انتفاعی ملی و بین المللی در کشور که بر وضعیت حقوق بشر موثر باشد..." از این روی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نظارت از وضعیت عملکرد محاکم را جزء از وظایف و مسولیت های قانونی خود دانسته و این گزارش تحقیقی را به سلسله دیگر گزارشهای مربوط به موضوعات تاثیر گذار بر وضعیت حقوق بشر در کشور، نشر می نماید.

## هدف

بدون تردید وضعیت و عملکرد سیستم قضایی رابطه تنگاتنگ با اصل حاکمیت قانون و میزان رعایت و تضمین حقوق بشر و تامین عدالت دارد. هدف اصلی از تهیه و نشر این گزارش ارزیابی وضعیت موجود و تلاش برای رسیدن به وضعیت مطلوب می باشد. به همین منظور در این گزارش تلاش گردیده تا به صورت بی طرفانه و مسوولانه در پهلوی بازتاب و انعکاس دستاورد های سیستم قضایی کشور، نقایص، ایرادات، مشکلات، موانع و چالش های که در عملکرد محاکم برای اجرای عدالت وجود دارد، بازگو گردد تا تصویر واضح و واقعی از وضعیت موجود به ویژه در زمینه ی دسترسی یکسان و بدون هیچ نوع تمایز همه ی شهروندان به یک سیستم قضایی کارا، شفاف و مؤثر که بتواند عدالت را تامین نموده و از حقوق اساسی شهروندان مطابق به قانون حمایت به عمل آورد، ارائه گردد.

علاوه بر آن، با شناسایی و تحلیل نقاط ضعف، ایرادات، مشکلات و چالش های موجود در سیستم قضایی کشور، مسوولین و نهادهای مربوط را و امیدارد تا راهها و راهکارهای مفید، متناسب و موثر برای رفع نقایص و ایرادات موجود جستجو نموده و اقدامات عملی و موثر را برای رسیدن به وضعیت مطلوب، اتخاذ نمایند. این گزارش تحقیقی براساس پلان استراتژیک و برنامه عمل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تهیه، تدوین و به منظور دستیابی به یک تحلیل درست و دقیق از وضعیت موجود و عملکرد سیستم قضایی افغانستان انجام گرفته و به نشر سپرده می شود.

---

<sup>1</sup> ماده 58 قانون اساسی – (دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان، بهبود و حمایت از آن کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تاسیس می نماید. هر شخص می تواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید. کمیسیون می تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید. تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم می گردد.)

با این امید که دولت افغانستان و جامعه جهانی با اذعان به واقعیت ها، مشکلات و چالشهای موجود، گامهای جدی، اساسی و عملی را برای رفع نقایص و مشکلات در سیستم قضایی کشور و عملکرد محاکم برای رسیدن به وضعیت مطلوب بردارند.

## روش (میتدولوژی)

این گزارش براساس جمع آوری، تحلیل و جمع بندی داده ها و معلومات به دست آمده از روشها و منابع مختلف تهیه شده است. کمیته تهیه و تدوین گزارش، قبل از همه پرسشنامه هایی را تهیه و با راه اندازی جلسات رهنمودی برای همکاران دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بخش های نظارت و بررسی از تخطی های حقوق بشر، حمایت و انکشاف حقوق زنان و حمایت و انکشاف حقوق اطفال را وظیفه دادند تا مطابق به پرسشنامه های تهیه شده، معلومات ضروری و مورد نیاز را جمع آوری نموده و غرض تهیه گزارش تحقیقی نظارت از وضعیت و عملکرد سیستم قضایی به کمیته موظف ارسال نمایند. بنابراین روش جمع آوری معلومات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در تهیه و نشر این گزارش بیشتر متکی به گفتگو ها و مصاحبه های مستقیم با مقامات و مسوولین عدلی و قضایی کشور بخصوص با قضات محاکم، نهادهای جامعه مدنی، موسسات و نهاد های همکار با سیستم قضایی کشور و مردم (مراجعین) بوده است.

افزون برآن، از بانک اطلاعات (دیتابیس) موجود در کمیسیون اعم از ثبت شکایات، نظارت از وضعیت رعایت حقوق بشر در روند اجراءات ارگان های عدلی و قضایی، تعقیب و رسیدگی قضایا و اشتراک در جلسات قضایی توسط ناظرین کمیسیون در هشت دفتر ساحوی و شش دفتر ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در تکمیل این گزارش تحقیقی کار گرفته شده است.

این کمیته معلومات به دست آمده از طرق و منابع مختلف، داده ها و یافته های گزارش شده از دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون را مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار داده و موضوعات را که ایجاب دریافت معلومات دقیق و بیشتر را می نمود، مجدداً از همکاران کمیسیون و سایر مسوولین مراجع عدلی و قضایی مطالبه نموده و غرض غنامندی و دقت لازم از آن استفاده به عمل آوردند.

## خلاصه یافته های گزارش

- برای اصلاح نظام قضایی افغانستان و توسعه تشکیلات محاکم اقدامات مثبت و پیشرفت های محدودی صورت گرفته است. با پذیرش مبنای قانونی برای استقلال قوه قضاییه افغانستان در قانون اساسی و قانون تشکیلات محاکم، استقلال قضا به دوگونه نهادی و فردی به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر مبنای قانونی برنامه های مشخصی برای اصلاح و انکشاف سیستم قضایی افغانستان پیش بینی گردیده و علاوه بر آن پیشرفت هایی نیز در زمینه تسوید، تصویب و یا اصلاح قوانین و تربیت قضات مسلکی و ارتقا ظرفیت اداری کارمندان اداری حاصل شده است.
- با وجود آنکه اقدامات مثبت به منظور توسعه و اصلاح نظام قضایی و تشکیلات محاکم صورت گرفته و پیشرفت های نسبی نیز در سیستم قضایی افغانستان رونما گردیده است؛ اما این پیشرفت ها و اصلاحات به قدر کافی نبوده و یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که در عمل، بسیاری مردم از حق دسترسی آسان به محاکم صالحه و برخورداری از محاکمه عادلانه و منصفانه محروم می باشند.
- عدم دسترسی کافی مردم به سیستم رسمی عدالت و بی اعتمادی نسبت به آن، باعث نا امیدی آنها از اجرای عدالت و یا رجوع به سیستم های غیر رسمی می گردد که رجوع به سیستم های غیر رسمی نیز ممکن است به فیصله های غیر عادلانه و برخلاف موازین حقوق بشر به ویژه حقوق زنان منجر گردد.
- شمار قابل ملاحظه ای از قضات و کارمندان اداری به حاضری پایبند نبوده و در طول اوقات رسمی از وظیفه شان غایب می باشند. نبود انضباط و کنترل بر آنها، مشکلات ترانسپورتی و یا هم مشکل رهائشی دلیل غیابت آنها از وظیفه محسوب می شود. این نابسامانی ها باعث سرگردانی مردم شده و این امر در بی اعتمادی مردم نسبت به عملکرد محاکم نقش دارد.
- پایین بودن سطح تحصیلات قضات، پایین بودن معیارهای آموزشی در پوهنتون ها و کورسهای قضایی و فراگیر نبودن برنامه های ارتقای ظرفیت برای قضات نیز بر کیفیت کار محاکم تاثیرگذار بوده و یکی از کاستیهای مهم محاکم شمرده می شود.
- برای افزایش مستمر آگاهیهای حقوقی قضات و اطلاع جامع از قوانین کشور، دسترسی به قوانین داخلی و معاهدات بین المللی که افغانستان به آنها متعهد است و سایر منابع حقوقی و قانونی یکی از ضرورت های انکار ناپذیر قضات می باشد.
- یکی از مشکلات و چالشهای نسبتاً دوامدار فراروی سیستم قضا و محاکم، تداوم، تشدید و گسترش ناامنی ها در سال های اخیر می باشد. این مشکل حاکمیت قانون را بیش از پیش ضعیف ساخته و بر اجرائت و

فیصله های محاکم و قضات تاثیرات منفی گذاشته است. به دلیل نا امنی، در بسیاری از ولسوالی های ولایات نا امن کشور، محاکم غیر فعال بوده و مردم دسترسی لازم به محاکم قانونی ندارند.

- با آنکه ساختمان های محاکم تا اندازه ی نوسازی و بازسازی گردیده است؛ اما تا هنوز محاکم و قضات کشور از نبود ساختمان های اساسی و معیاری برای محاکم و نبود خانه های رهائشی برای قضات به ویژه در ولسوالی ها دچار مشکل می باشند.

- با وجودی که اکثریت قضات در جریان مصاحبه گفته اند که از استقلالیت کافی برخوردار اند؛ اما یافته های کمیسیون نشان می دهد که نا امنی ها، اعمال نفوذ مقامات دولتی و متنفذین محلی و فساد اداری اصل استقلالیت محاکم و غیر جانبدار بودن قضات را نقض کرده است.

- یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که موجودیت فساد اداری، ضعف حاکمیت قانون، دخالت و اعمال نفوذ زورمندان در روند رسیدگی دعاوی (خصوصاً قضایای خشونت علیه زنان)، عدم آگاهی کافی قضات از حقوق قانونی زنان، نگرش مردسالارانه و عدم برداشت دقیق از قوانین نافذه به ویژه معاهدات بین المللی حقوق بشر باعث شده است که اصل تساوی شهروندان (خصوصاً تساوی زن و مرد) در برابر قانون به گونه ی که لازم است توسط محاکم رعایت نگردد و دسترسی زنان به محاکم صالحه محدود شده و میزان مراجعه و اعتماد زنان نسبت به محاکم کاهش یابد.

- اصل قانونیت جرایم و مجازات در برخی از مسایل در فیصله های محاکم نادیده گرفته می شود. عدم درک صحیح از سلسله مراتب قوانین و گونه های تعارض میان اسناد تقنینی و راههای حل حقوقی تعارض آنها از یک سو و نبود درک دقیق از نسبت میان قوانین وضعی، شریعت اسلامی و قوانین داخلی و معاهدات بین المللی از عوامل اصلی عدم رعایت اصل قانونیت جرایم و مجازات ها می باشد.

- اصل تحصیل دلایل به روش های قانونی که از مهمترین اصول و معیارهای محاکمه عادلانه می باشد، در جریان محاکمه به درستی و دقت رعایت نمی گردد. قضات در هنگام محاکمه و صدور رای اکثرأً به آنچه از جانب مراجع کشف و تحقیق در دوسیه وجود دارد، اکتفا نموده و نسبت به احراز قانونی بودن روشهای تحصیل آن دلایل، دقت و توجه لازم را به خرج نمی دهند.

- تعداد قابل ملاحظه ای از قضایا اعم از دوسیه های جزایی و حقوقی در موعد معین قانونی مورد رسیدگی قرار نمی گیرند و به همین دلیل تعدادی زیادی از متهمین و یا محکومین توسط محاکم اولیه، ماهها وسالها بدون مشخص بودن وضعیت حقوقی شان، از حقوق و آزادی های شان محروم می گردند. یافته های کمیسیون نشان داده است که تعداد متهمین زن که قضایای شان در ستره محکمه در موعد معین مورد رسیده گی قرار ننگرفته، به تناسب مردان بیشتر می باشد.

- در زمینه اصل دسترسی به وکیل مدافع پیشرفت های خوبی حاصل شده است؛ اما هنوز هم بسیاری از مردم از این حق محروم می باشند. نبود و یا کمبود وکلای مدافع و مساعدین حقوقی، عدم استطاعت مالی، بی اعتمادی مردم به وکیل مدافع و بی خبری آنها از نقش وکیل مدافع و نهادینه نشدن ارزش و جایگاه وکالت دفاع در سیستم قضایی کشور، دلایل اصلی عدم دسترسی کافی مردم به وکلای مدافع و مساعدین حقوقی و یا عدم برخورداری مردم از این خدمات می باشد.
- عدم توجه کافی قضات به صلاحیت های قانونی وکلای مدافع یک مشکل اساسی می باشد. در برخی موارد با وجود آنکه در جلسات قضایی شکلیات رعایت می گردد و این افراد از متهمین دفاع می کنند؛ ولی به این دفاعیه ها توجه لازم صورت نمی گیرد و قاضی با توجه به صورت دعوی سارنوال و یا یافته های خود قضایا را فیصله می کند و به دفاعیه های ارائه شده در محکمه به صورت لازم و کافی توجه نمی کنند.
- عدم موجودیت کافی وکلای مدافع و یا عدم امکان دسترسی لازم به آنان، کمبود قضات مسلکی و پایین بودن سطح آگاهی آنان، ضعف حاکمیت قانون، تهدیدات امنیتی، غیابت قضات، عدم مسوولیت پذیری لازم از جانب برخی از قضات، عدم اعتقاد و باور عده ای از قضات به برخی از معیارهای محاکمه ی عادلانه، کمبود امکانات و تسهیلات لازم به منظور تثبیت حالت، کیفیت و چگونگی یک عمل جرمی و تشخیص مجرمین، خلاء قانونی در بعضی موارد و نبود نظارت بر عملکرد قضات از عوامل اصلی عدم رعایت کامل معیارهای محاکمه عادلانه می باشد.
- در برخی از موارد، فیصله های محاکم از تطبیق باز می ماند که عمده ترین دلایل آن عبارتند از عدم حاکمیت کامل دولت در تمام مناطق کشور، اقتدار گروهها و افراد زورمند، ناامنی و عدم حاکمیت قانون، عدم نظارت دقیق بر عملکرد نهاد های تطبیق کننده قانون و وجود زمینه های ارتشا و فساد اداری.
- عدم حاکمیت قانون و تداوم فرهنگ معافیت به ویژه معافیت جنایتکاران و افراد زورمند در حالیکه تطبیق قانون تنها بر افراد فقیر صورت می گیرد، موجب بد بینی مردم نسبت به قانون و قضا شده و اعتماد مردم نسبت به تامین عدالت توسط دستگاه های عدلی و قضایی در سطح پایین قرار دارد.

## بررسی وضعیت فعلی سیستم قضایی و عملکرد محاکم

بررسی وضعیت فعلی نظام قضایی و عملکرد محاکم در کشور از یک سو میزان پیشرفت ها و موفقیت های حاصله در این چند سال اخیر را نمایان می سازد و از سوی دیگر کاستیها و نقایص موجود در عملکرد محاکم را روشن و مشخص می کند. نحوه عملکرد محاکم و میزان موفقیت ها و ناکامیهای آن، رابطه مستقیم با وضعیت حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر در کشور دارد. وضعیت سیستم قضایی و عملکرد محاکم را از زوایای مختلف می توان بررسی کرد.

شاخصه های این سنجش باید به قدر کافی متنوع و جامع باشد تا بتواند تصویر واقع بینانه تری از عملکرد و وضعیت محاکم در زمینه تأمین عدالت که مهمترین وظیفه و رسالت قضا است، ارائه نماید. وضعیت تشکیلات محاکم و کمبودات آن، میزان برخورداری محاکم از پرسونل ماهر اداری، قضایی و مسلکی، نظم و انضباط سازمان یافته، نظارت و پاسخگویی شفاف، چگونگی دسترسی مردم به محاکم، میزان رعایت اصول محاکمات عادلانه در نظام عدلی و قضایی، دسترسی به وکلای مدافع و مساعدين حقوقی، میزان استقلال قضات، چگونگی تطبیق اجراءات محاکم توسط نهادها و ارگانهای تطبیق کننده و در نهایت میزان رضایت مردم از عملکرد محاکم و اعتماد آنها به سیستم قضایی، مهمترین شاخصه های است که براساس آن می توان تصویر درست و دقیق از وضعیت و عملکرد محاکم ارائه داد.

در این گزارش شاخصه های فوق در سه کتگوری زیر تقسیم بندی و مورد بررسی قرار گرفته است:

اول : وضعیت محاکم

دوم : عملکرد محاکم

سوم : میزان رضایت و اعتماد مردم از محاکم

### بخش نخست: بررسی وضعیت محاکم

#### 1.1 تشکیلات محاکم و نقایص آن

دسترسی شهروندان به محاکم صالحه و برخورداری از رفتار منصفانه مراجع عدلی و قضایی از جمله حقوق بشری و حقوق شهروندی مردم افغانستان است. این دسترسی باید با سهولت امکان پذیر باشد. منظور از دسترسی آسان به مراجع عدلی و قضایی و تضمین رفتار منصفانه آن است که هرگاه ظلم و اجحافی در حق افراد اجتماع رخ دهد و یا فرد قربانی جرمی واقع شود، باید برای اثبات حق خود و احقاق آن به مراجع قضایی

که مسوول تشخیص و اجرای عدالت است، دسترسی داشته باشند و برخورد منصفانه دستگاه های مسوول با آنها، تضمین گردد.

وجود محاکم فعال با تشکیلات کامل، قضات و کارمندان مسلکی، نخستین شرط تحقق و تضمین حق دسترسی شهروندان به محاکم صالحه است. بنابراین در نبود و یا کمبود تشکیلات محاکم و یا غیر فعال بودن آن و یا عدم برخورداری آن از قضات مسلکی و یا عدم رعایت نظم و قانون و عدالت، حق برخورداری و دسترسی به محاکم صالحه شهروندان نقض می گردد. هرگاه دسترسی به عدالت ناممکن یا دشوار و هزینه بردار باشد یا توأم با تحقیر و توهین و یا تبعیض آمیز باشد، نشان دهنده آن است که سیستم قضایی از مشکلات ساختاری و یا عملکردی رنج می برد و نیازمند اصلاحات است. در این راستا برای اصلاح نظام قضایی افغانستان و توسعه تشکیلات محاکم اقدامات مثبت و پیشرفت های محدودی صورت گرفته است.

نخستین و مهمترین گام در این زمینه، پذیرش مبنای قانونی برای استقلال قوه قضاییه افغانستان در قانون اساسی و قانون تشکیلات محاکم می باشد. این استقلال به دوگونه نهادی و فردی به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر مبنای قانونی برنامه های مشخصی در چارچوب "استراتژی عدالت برای همه" و "استراتژی موقت انکشاف ملی" و "توافقنامه افغانستان" برای اصلاح و انکشاف سیستم قضایی افغانستان پیش گردیده است و علاوه بر آن پیشرفت هایی نیز در زمینه تسوید، تصویب و یا اصلاح قوانین و تربیت قضات مسلکی و ارتقا ظرفیت کارمندان اداری حاصل شده است.

## 2.1 تشکیلات قوه قضاییه

ماده 116 قانون اساسی تصریح می دارد: « قوه قضاییه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. قوه قضاییه مرکب است از ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتداییه. ستره محکمه به حیث عالی ترین ارگان قضایی در راس قوه قضاییه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.»

ستره محکمه مرکب از نه (9) عضو بوده که با در نظر داشت احکام مندرج مواد یک صد و هفدهم و یک صد و هجدهم قانون اساسی از طرف رییس جمهور با تایید ولسی جرگه تعیین می گردند. رییس جمهور یکی از اعضا را به حیث رییس ستره محکمه تعیین می نماید.<sup>2</sup>

ستره محکمه طبق تعدیل ماده هجدهم قانون تشکیلات، وظایف و صلاحیت های محاکم، متشکل از (5) دیوان است که عبارت اند از: دیوان جزا عمومی، دیوان امنیت عامه، دیوان مدنی و حقوق عامه، دیوان تجارتي و دیوان جرایم منسوبین نظامی و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی.

ریاست هریکی از دیوان ها را یکی از اعضای ستره محکمه که از جانب قاضی القضاة برای مدت یک سال تعیین می شود، به عهده می گیرد. هم چنان طبق پیشبینی حکم ماده 20 قانون تشکیلات و صلاحیت های محاکم،

<sup>2</sup> ماده یکصد و هفدهم قانون تشکیلات و صلاحیت های محاکم.

ستره محکمه دارای مستشاران قضایی می باشد که تعداد مجموعی آنها از 36 نفر بیشتر بوده نمی تواند. همچنین قوه قضاییه به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی، دارای آمریت عمومی اداری بوده که در راس آن آمر عمومی قرار دارد.

در سطح هر ولایت محاکم استیناف وجود دارد. محاکم استیناف دارای دیوان جزای عمومی، دیوان امنیت عامه، دیوان مدنی و احوال شخصیه، دیوان حقوق عامه، دیوان تجارتي و دیوان اطفال است.

محکمه استیناف مرکب از رییس، روسای دیوان ها و اعضای قضایی بوده و رییس دیوان جزا در عین حال معاون محکمه استیناف می باشد. همچنان محکمه استیناف در حوزه قضایی مربوطه دارای محاکم حوزوی ابتداییه مرکز ولایت، محاکم ابتداییه ولسوالی ها، محکمه ابتداییه اطفال، محکمه ابتداییه تجارتي و محکمه ابتداییه احوال شخصیه می باشد.

محاکم ابتداییه در مرکز ولایت دارای دیوان جزای عمومی، دیوان مدنی، دیوان حقوق عامه، دیوان امنیت عامه و دیوان جرایم ترفیکی است. دیوان های محکمه ابتداییه مرکز مرکب از رییس و حد اکثر چهار عضو می باشد. محاکمه ابتداییه اطفال و تجارتي نیز مرکب از یک رییس و چهار عضو است.

محاکم ابتداییه ولسوالی ها مرکب از یک رییس و دو عضو بوده؛ اما در ولسوالی های که اعضا تکمیل نباشد، به موجب حکم ماده 47 قانون تشکیلات، وظایف و صلاحیت های محاکم، رسیدگی به قضایا توسط کمتر از سه نفر قاضی صورت گرفته می تواند. همچنان در جنب هر محکمه ابتداییه مرکز یک محکمه وثایق و ثبت اسناد نیز تشکیل و فعال گردیده است. محاکم استیناف، ابتداییه و دیوان های مربوط دارای کارکنان و شعبات اداری نیز می باشند.

همچنان محاکم اختصاصی استیناف و ابتداییه مبارزه با مواد مخدر تنها در شهر کابل و محاکم استیناف و ابتداییه جرایم ناشی از فساد اداری در مراکز زون های هشتگانه قوه قضاییه و محاکم نظامی در بعضی از ولایت ها تشکیل و فعالیت دارند.

با وجود آنکه اقدامات مثبتی به منظور توسعه و اصلاح نظام قضایی و تشکیلات محاکم صورت گرفته و پیشرفت های نسبی نیز در سیستم قضایی افغانستان رونما گردیده است؛ اما این پیشرفت ها و اصلاحات به قدر کافی نبوده و یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که در عمل بسیاری مردم از حق دسترسی به محاکم صالحه و برخورداری از محاکمه عادلانه و منصفانه محروم می باشند.

عدم دسترسی کافی مردم به سیستم رسمی عدالت و بی اعتمادی نسبت به آن، باعث نا امیدی آنها از اجرای عدالت و یا رجوع به سیستم های غیر رسمی می گردد که رجوع به سیستم های غیر رسمی نیز ممکن است به فیصله های غیر عادلانه و ناقض حقوق بشر به ویژه حقوق زنان منجر گردد.

مشکلات ساختاری، اشکالات در برنامه ریزی و کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص و منابع مالی و بودجوی در سیستم قضایی باعث به وجود آمدن و یا تداوم وضعیت گردیده است که در ذیل بررسی می گردد:

### 3.1 کمبود ها و کاستیهای تشکیل محاکم

بر اساس اظهارات مسئولان قوه قضاییه، پالیسی قوه قضاییه در موازنه تشکیل به گونه ی است که از یک سو تورم تشکیلاتی به میان نیاید و از جانب دیگر تشکیل محاکم به حدی مختصر نشود تا اهدافی که از اداره مطلوب است، تحقق نپذیرد. در جریان سال های 1385 – 1388 با در نظر داشت اهداف فوق در تشکیل قوه قضاییه اصلاحات لازم به میان آمده در نتیجه محاکم و ادارات غیر ضروری ملغا و آنچه لازم بوده است به حد نیاز تشکیل و تاسیس شده است.<sup>3</sup>

آمار های ارائه شده توسط ستره محکمه در مورد تشکیلات و پرسونل محاکم نشان می دهد که تشکیل منظور شده قوه قضاییه به شمول قضات و کارمندان اداری مجموعا 4390 نفر است که از آن جمله به تعداد 3232 تن بر حال وظیفه بوده و به تعداد 1158 بست کمبود وجود دارد. تعداد مجموعی قضات که بر حال وظیفه می باشند، به 1505 تن می رسد که از آن جمله 120 تن زن می باشد و به تعداد 777 بست کمبود وجود دارد. تعداد مجموعی کارمندان اداری که بر حال وظیفه اند بالغ می شود به 1727 تن که از آن جمله تعداد 218 تن را زنان تشکیل میدهد و به تعداد 381 بست کمبود وجود دارد.

آمار ارائه شده در مورد درجه تحصیل قضات و کارمندان اداری به این ترتیب است: سه نفر دارای سند دوکتورا، هشت نفر دارنده سند ماستری، 1623 نفر دارنده سند لیسانس، 397 نفر دارای سند فوق بکلوریا، 1104 نفر دارای سند بکلوریا و تعداد 98 نفر دیگر دارای تحصیلات خصوصی می باشند.<sup>4</sup>

با این وجود، یافته های کمیسیون مستقل حقتق بشر افغانستان نشان میدهد که بسیاری محاکم در ولایات از کمبود تشکیل رنج می برند و بد تر از آن ، محاکم در بسیاری از ولسوالی های ولایات نا امن غیر فعال می باشند.

یکی از مسولین ستره محکمه، با اذعان به این موضوع می گوید: تمام محاکم استیناف و محاکم شهری در سطح 34 ولایت کشور فعال می باشد؛ ولی در 47 ولسوالی از 14 ولایت به دلیل نا امنی، محاکم شان غیر فعال و مسدود بوده که از جمله 7 ولسوالی در ولایت قندهار، 6 ولسوالی در ولایت هلمند، یک ولسوالی در ولایت نیمروز، دو ولسوالی در ولایت دایکندی، دو ولسوالی در ولایت غور، 7 ولسوالی در ولایت غزنی، 6 ولسوالی در ولایت فراه، 3 ولسوالی در ولایت بادغیس، یک ولسوالی در ولایت سرپل، یک ولسوالی در ولایت فاریاب، 4 ولسوالی در ولایت خوست، 4 ولسوالی در ولایت پکتیا، یک ولسوالی در ولایت کندز و دو ولسوالی در ولایت زابل غیر فعال و مسدود می باشد.

<sup>3</sup>. فعالیت ها و دست آورد های ستره محکمه 1385 – 1388 ص 190 و 191.  
<sup>4</sup>. در دیدار با مسولین ریاست کدر و پرسونل ستره محکمه به تاریخ 1389/12/8 .

یافته های کمیسیون نشان میدهد که تشکیلات در نظر گرفته شده برای محاکم که در ولایات و ولسوالی های که در آنها محاکم فعال نیز می باشد، کافی نبوده و مشکل جدی تر در این زمینه آنست که تقریباً در اکثر قریب به اتفاق ولایات، تشکیلات منظور شده برای محاکم آنها عملاً به صورت کامل فعال نگردیده و بسیاری محاکم در ولایات و ولسوالی ها از اینکه تشکیل آنها چه به لحاظ پرسنل مسلکی و چه به لحاظ پرسنل اداری به صورت کامل فعال نمی باشد، با مشکلات زیاد مواجه می باشند.

کمبود پرسنل مسلکی و اداری در محاکم از یک سو و فعال نبودن محاکم در تعدادی از ولسوالی های کشور از سوی دیگر، تاثیرات بسیار منفی بر حق برخورداری مردم در زمینه دسترسی به سیستم قضایی رسمی و یا برخورداری از حق محاکمه عادلانه و منصفانه برجای می گذارد.

## 1.2 حقوق و امتیازات قضات

با توجه به اهمیت قضا و ارزش وظیفه قضاوت، رفع نیازمندی های اولیه قضات و تعیین حقوق و امتیازات متناسب برای قضات با هدف حفظ و تقویت عزت نفس آنان بسیار مهم و تاثیر گذار می باشد. به همین دلیل است که در قانون اساسی و دیگر اسناد تقنینی روی این مهم تاکید صورت گرفته است. در ماده 155 قانون اساسی افغانستان تصریح گردیده است: " برای معاونین رییس جمهور، وزراء، روسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، قضات و لوی حارنوال مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می گردد."

ماده 126 قانون اساسی حکم می کند: " اعضای ستره محکمه بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می شوند، مشروط بر اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند.

" ماده 74 قانون تشکیلات، وظایف و صلاحیت های محاکم صراحت دارد: " اعضای ستره محکمه و مستشاران قضایی و قضات محاکم مطابق حکم ماده یک صد و پنجاه و پنجم قانون اساسی مستحق معاش مناسب بوده که اندازه آن در قانون مربوط تعیین می گردد."

همچنان قضات علاوه بر دریافت معاش به موجب حکم ماده 66 قانون تشکیلات محاکم، مستحق امتیاز کادر مسلکی که جز معاش محسوب می شود، نیز می باشند. ضرورت افزایش معاش قضات در استراتژی سکتور عدلی و قضایی نیز پیشبینی گردیده است.

حقوق و امتیازات مالی قضات در اجرای وظایف قضات که تامین عدالت است، دارای اهمیت زیاد است. برخی از کارشناسان و مقامات دولتی به این نظر اند که میزان پایین معاش کارمندان دولت رابطه مستقیم به سطح ارتشا و فساد اداری دارد. با آنکه پایین بودن معاش و امتیازات مالی در ترویج فساد اداری و ارتشا تاثیر گذار می باشد؛ اما در حقیقت امر سطح پایین معاش ها یگانه دلیل در این زمینه بشمار نمی رود.

با آنکه در سالهای گذشته پایین بودن سطح معاشات قضات یکی از چالشها و یکی از دلایل عمده ترویج و تدام فساد و رشوت به حساب می آمد؛ اما خوشبختانه دولت افغانستان از نیمه دوم سال 1387 میزان معاش قضات را

تأحدودی افزایش داد و از ماه ثور سال 1389 ستره محکمه معاش قضاات را درسه کتگوری 20000 افغانی، 30000 افغانی و 40000 افغانی افزایش داده است. معاش کدري قضاات نیز از هفت هزار و پنجد افغانی الی پانزده هزار افغانی افزایش یافته است.<sup>5</sup>

بنابر یافته های ناظرین کمیسیون در تمام ولایات و ولسوالی ها سطح معاش قضاات به طور اوسط از 20000 افغانی تا 45000 افغانی می باشد که یک مبلغ خوب برای امرار معیشت قضاات تلقی می شود. برخی از روسای محاکم تا 50000 و 61000 افغانی نیز معاش اخذ می نمایند.

گزارش های کمیسیون نشان می دهد که اکثریت مطلق قضاات محاکم از میزان معاش شان که درسالهای اخیرازاد گردیده راضی بوده و گفته اند که معاش شان برای معیشت زندگی کافی می باشد. تعداد اندکی از قضاات گفته اند که بر علاوه معاش، آنها از طریق دهقانی، تجارت و دکانداری امرار معیشت می کنند و یا توسط دیگر اعضای خانواده کمک مالی می شوند.

به طور عموم می توان گفت که در حال حاضر سطح معاش قضاات مناسب است و تقریباً همه قضاات از آن راضی اند. چنانچه قبلاً گفته شد که برخی از کارشناسان عقیده دارند که کم بودن معاش قضاات زمینه فساد و ارتشاء را فراهم می سازد و درحقیقت یکی از عوامل شیوع و افزایش ارتشاء و فساد اداری، کم بودن معاشات است؛ اما پرسش این است که آیا با افزایش سطح معاش قضاات کشور، سطح ارتشاء و فساد اداری در محاکم کاهش یافته است یا خیر؟ هر چند یافتن این پرسش مهم، ایجاب یک تحقیق کامل را می نماید؛ اما ظاهراً شواهد نشان می دهد که در طول این مدت که معاش قضاات افزایش یافته است، تغییر قابل ملاحظه در کاهش ارتشاء و فساد اداری به وجود نیامده است و یا حداقل می توان در پاسخ مثبت این پرسش تردید کرد.

## 2.2 تعمیر و وسایل ترانسپورتی

یکی دیگر از مشکلات محاکم نداشتن تعمیر مناسب است. متناسب با توسعه محاکم و ازدیاد مراجعین آن نه تنها ساختمان های لازم برای محاکم اعمار نگردیده؛ بلکه ساختمانهای قبلی محاکم نیز به صورت درست بازسازی و نوسازی نگردیده است. به همین دلیل ساختمانهای فعلی به هیچ وجه جوابگوی نیازمندی های محاکم نبوده و این امر تأثیر منفی بر نحوه و میزان خدمات محاکم برجای گذاشته است. در شرایط فعلی تعداد زیادی از محاکم کشور به ویژه در ولسوالی در تعمیر های کرایبی نامناسب، اتاق های مساجد و حتی دکانها مستقر است و یا اصلاً در ولسوالی فعالیت ندارند.

علاوه بر آن نبود خانه های نشیمن برای قضاات به ویژه در ولسوالی ها از دیگر مشکلاتی است که تا هنوز برای حل این مشکل توجه جدی صورت نگرفته است. یک تن از مسولین در ستره محکمه، از وضعیت معیشتی قضاات در سال های قبل یاد آور شده اظهار داشت که در گذشته برای قضاات حتی در سطح ولسوالی ها حویلی

<sup>5</sup> -فعالیت ها و دستاوردهای ستره محکمه، پیشین ص. 246.

های نشیمن و امکانات رفاهی زندگی از سوی دولت در نظر گرفته شده بود؛ ولی متأسفانه از شروع سال های جنگ در افغانستان تا کنون در این زمینه توجه نشده است.

مشکل ترانسپورته قضات از دیگر موضوعاتی است که بر کیفیت فعالیت محاکم تأثیر منفی می گذارد. یافته های گزارش شده از دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون نشان می دهد که برخی از قضات ولسوالی ها وحتا ولایات از نداشتن وسایط ترانسپورته برای رفت و آمد شان به وظیفه شکایت دارند و آن را یکی از دلایل نقص در فعالیت های قضات می دانند.

به گونه ی مثال رئیس محکمه استیناف ولایت دایکندی اظهار می دارد که او و تعدادی از قضات ولایت دایکندی از ولایت های دیگر می باشد که در این ولایت دور دست ایفای وظیفه می نمایند. این افراد برای آمدن به محاکم ویا رفتن نزد فامیل شان در ولایات دیگر وسایط ترانسپورته در اختیار ندارند. برخی از قضات همین ولایت اعلام داشته اند که به همین دلیل قضات برای رفت و آمد، مشکلات زیادی دارند و حتی در صورت مریضی و بروز مشکلات صحتی نمی دانند چگونه با آن مقابله نمایند.

یافته های کمیسیون نشان می دهد که اضافه بر مشکلات یاد شده، نبود و یا کمبود امکانات سوختی و گرمایی در برخی مناطق به ویژه در ولسوالی های دور دست و سردسیر کشور که تخصیص سوخت ندارند و یا نیازمندی های آنان به موقع نمی رسد، باعث کنده کار محاکم گردیده و در برخی مواقع از اثر سردی هوا، قضات و کارمندان اداری به محکمه حاضر نمی شوند.

### **1.3 حضور و غیابت قضات در محاکم**

با توجه به این واقعیت که تمام ظرفیت تشکیل محاکم عملاً فعال نمی باشد و محاکم غالباً با کمبود پرسنل قضایی و اداری مواجه می باشند، حضور منظم پرسونل محاکم ضروری به نظر می رسد.

در همین رابطه در ماده بیستم مقرر طرز سلوک قضایی برای قضات جمهوری اسلامی افغانستان، تصریح گردیده است: " قاضی وظایف قضایی را بر تمام فعالیت های دیگر خویش اولویت میدهد. قاضی به کار هایی اشتغال نمی ورزد که منافی نزاهت قضایی وی باشد. هم چنان قاضی فعالیت های غیر قضایی خویش را طوری انجام می دهد که با وظیفه قضایی او در تعارض واقع نگردد. قاضی جلسه قضایی را در وقت آغاز نموده و محکمه را فقط بعد از ختم ساعات کاری ترک می کند. قاضی بدون اجازه قبلی مافوق خود از وظیفه غیر حاضر نمی گردد، مگر اینکه غیر حاضری او به علت شرایطی باشد که کنترل آن در اختیار وی نباشد."

اما در عمل دیده می شود که عدم پایبندی دقیق شمار قابل ملاحظه ی از قضات به موضوع حاضری یکی از مشکلات جدی فرا راه کار آمدی محاکم در زمینه تامین عدالت و حل و فصل به موقع موضوعات قضایی می باشد.

به اساس یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، غیر حاضری قضات، بیشتر در ولسوالی ها گزارش شده و این بی نظمی به یک امر معمول تبدیل شده است؛ اما تعدادی از قضات در مراکز ولایات نیز به دلایل مختلف در

اوقات رسمی غیر حاضر می باشند. غیر حاضری کارمندان اداری نه تنها از غیر حاضری قضات کمتر نیست؛ بلکه در برخی از ولایت ها بیشتر نیز گزارش شده است.

بررسی های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که دو نوع غیر حاضری در محاکم معمول است:

اول اینکه برخی از قضات دیرتر از وقت رسمی به وظیفه حاضر می شوند و یا اینکه زودتر از ختم رسمیات، دفتر شان را ترک می کنند. ناظرین کمیسیون دریافته اند که در تعداد زیادی از ولایات محاکم تنها تا ساعت دوازده ظهر فعال اند؛ در حالی که مطابق به قانون برای ادای نماز و صرف غذای چاشت صرفاً یک ساعت وقت ( از 12:00 تا 01:00 ) در نظر گرفته شده است؛ اما بررسی های کمیسیون نشان می دهد که برخی از شعبات ستره محکمه در مرکز کابل ساعت 11:30 بر روی مراجعین بسته می شود و تا ساعت 01:30 و یا ساعت 2 این وضعیت ادامه دارد.

نوع دوم از بی نظمی ها و غیر حاضری ها بدین گونه است که برخی از قضات در جریان هفته، از یک روز الی سه روز و یا بیشتر غایب بوده و به وظیفه حاضر نمی شوند. این نوع غیر حاضری در بسیاری از ولسوالی ها و در بعضی از شهر های کوچک مرسوم و متداول است. در تعدادی از محاکم، غیر حاضری به مدت کمتر از 3 روز در هفته به ملاحظه رسیده و در تعدادی از محاکم غیر حاضری قضات بیشتر از 3 روز در هفته نیز گزارش شده است. حتی در برخی از ولسوالی های سرد سیر که در فصل زمستان راه های مواصلاتی آن مسدود می شود، غیر حاضری قضات به یک الی سه ماه نیز می رسد. مثال آن غیر حاضری قضات در ولسوالی های پنجاب و ورس ولایت بامیان است که در زمستان قضات، خصوصاً روسای محاکم ابتدائیه این دو ولسوالی که از مردم محل نیستند، غیر حاضر بوده اند.

غیر حاضری قضات محاکم در ولسوالی ها بیشتر از غیر حاضری قضات مرکز ولایت ها گزارش شده است. به همین ترتیب غیر حاضری قضات محاکم در مرکز سایر ولایات ها بیشتر از غیر حاضری قضات محاکم شهر کابل پایتخت کشور گزارش شده است. بنابر این، به احتمال زیاد این موضوع به نحوه نظارت و کنترل وابسته است زیرا به هر اندازه ای که محاکم از مرکزیت دورتر واقع شده باشد، به همان تناسب غیر حاضری قضات نیز بیشتر مشاهده می شود. گرچند غیابت قضات، در محاکم مختلف و در ولایت مختلف دلایل متعددی دارد؛ ولی دلیل عمده آن برمی گردد به عدم کنترل منظم و دقیق بر کار قضات، بی مسوولیتی خود قضات و هم چنین نبود قضات بومی و محلی.

بررسی های کمیسیون نشان می دهد که یکی از دلایل عمده غیر حاضری قضات در محاکم ولایت ها و به ویژه ولسوالی ها، آن است که شمار قابل ملاحظه ای از قضات، از مردم بومی آن محل نبوده؛ بلکه از یک ولایت دیگر و یا ولسوالی دیگر می باشند. این امر باعث می شود که برخی از قضات یا به طور روزمره و یا آخر هفته به خانه های شان که دورتر از محل کار شان است، بروند و یا در جریان روز دیرتر از وقت رسمی به دفتر می رسند، به

سبب دوری راه و به سبب این که خانه های شان در ولایت ها و ولسوالی های دورتر موقعیت دارد و در کنار آن، کنترل و نظارت لازم هم در قبال حضری آنها وجود ندارد، یک و یا چند روز در هفته غیر حضری دارند.

در ولایت دایکندی در ماه مبارک رمضان سال 1389 اکثریت قریب به اتفاق روسای محاکم و دیوان های این ولایت تقریباً در طول یک ماه در مرخصی بوده و عملاً تمامی فعالیت های محاکم در این ماه به حالت تعطیل قرار داشته است.

به طور نمونه ناظرین کمیسیون برای دو روز پی هم در ولسوالی دولت آباد ولایت فاریاب به منظور مصاحبه با قاضی موظف انتظار کشیدند ولی به دلیل غیابت قاضی آنها موفق به دیدن وی نشدند. در ولایت بامیان اکثریت قضات پس از صرف نان چاشت، محکمه را ترک می کنند و یا قبل از نان چاشت به خانه های شان می روند و دوباره بر نمی گردند.

در بسیاری از ولایت ها و ولسوالی های شمال کشور، مطابق رسوم محلی یک و یا دو روز هفته را روز بازار (در اغلب مناطق روز های دوشنبه و پنجشنبه) می نامند. این رسم بر حضری و غیابت محاکم و دیگر ادارات نیز تاثیر گذاشته است. بررسی های کمیسیون نشان می دهد که هم قضات و هم مردم در روزهای بازار بیشتر به محاکم مراجعه می کنند و در سایر روزها مراجعه مردم به محاکم کمتر است و از همان رو قضات نیز غیر حاضر اند.

هم چنین ناظرین کمیسیون دریافته اند که قضات ولایت ارزگان در یک ماه، پانزده روز را غیر حاضر اند و اکثریت قضات در ولایت های بدخشان، پنجشیر، ارزگان، پکتیا، خوست و پکتیکا در ساعت 9 وارد دفتر می شوند و ساعت 12 دفاتر شان را ترک می کنند. هم چنین ناظرین کمیسیون دریافته اند که در ولایت های کندز، تخار، میدان وردگ، غزنی، بلخ و جوزجان و به ویژه در ولسوالی های ولایات یاد شده، عده ی زیادی از قضات در هفته 2 الی 3 روز غیر حاضر می باشند.

ساکنین ولسوالی خواجه دوکوه ولایت جوزجان و یک تن از وکلای مدافع این ولسوالی گفته اند که قضات در این ولسوالیها در هفته 4 روز غیر حاضر می باشند. این گفته را یکی از حارنوالان این ولسوالی نیز تایید کرده است.

یافته های کمیسیون نشان می دهد که وضعیت حضری در محاکم اختصاصی مبارزه با مواد مخدر در شهر کابل بهتر می باشد، البته آن هم به گونه ی است که حد اکثر تا نیم ساعت قبل از ختم رسمیات کمتر کسی باقی می ماند و حتی موتر های حمله مامورین ده الی بیست دقیقه قبل از ختم رسمیات حرکت می کنند. به همین ترتیب محکمه فامیلی، محکمه اطفال و محکمه جرایم ناشی از فساد اداری در شهر کابل نیز تا حدودی با این مشکلات مواجه می باشند.

وضعیت در برخی از محاکم ولایت های پروان، لوگر، میدان وردگ، ننگرهار، کنر، لغمان نسبتاً بهتر بوده و به ویژه در محاکم استیناف این ولایت ها قضات تقریباً همه روزه به وظیفه شان حاضر اند. وضعیت حضری در

محاكم استيناف ولايت های فارياب و هرات نیز نسبتاً منظم است؛ اما در ولسوالی های این ولايات، غير حاضری قضاات زياد است.

اما در مجموع گزارش های کمیسیون نشان می دهد غير حاضری قضاات، در بیشتر ولايات ها و ولسوالی ها به یک امر معمولی مبدل شده و سیستم نظارتی جدی برای جلوگیری از این بی نظمی وجود ندارد. غير حاضری قضاات به طور جدی باعث سرگردانی مراجعین و بالاخره سبب سلب اعتماد مردم نسبت به دستگاه عدلی و قضایی کشور می شود.

علل و عوامل زیادی برای حضور نامنظم کارمندان اداری و مسلکی وجود دارد؛ نبود فرهنگ انضباط کاری و نظارت جدی و مستمر بر کار کارمندان اداری و مسلکی محاکم، وجود نا امنی ها در برخی از مناطق، دوری راه و مشکلات ترانسپورتی، حس بی مسوولیتی قضاات را می توان از دلایل عمده آن محسوب نمود. علاوه بر آن بسیاری از قضاات در ولايات ها و ولسوالی ها از مردم بومی آنجا نبوده و از مناطق دیگر می باشند و بسیاری از آنها مجبورند تا برگشت به منزل مسیر طولانی را طی نمایند و حتا خانه های بعضی از قضاات در ولايات های دیگر قرار دارد، همین امر سبب می شود که آنها محاکم را روزها و یا هفته ها به مقصد دیدار خانواده ترک گویند که نمونه ی از این مشکلات در ولايات های دور دست و ولايات های نا امن بسیار رایج است.

روشن است که حضور نامنظم پرسنل اداری و مسلکی در محاکم موجب سکتکی کار ها، ملتوی ماندن دوسیه ها، سرخوردگی مراجعین و نا کامی و ناکار آمدی سیستم قضایی در تامین عدالت می گردد. این وضعیت زمینه ساز فساد اداری و همچنان باعث ضیاع وقت مراجعین به محاکم و صرف هزینه های گزاف و بیش از حد به ویژه نسبت به اشخاص که از راه های دور به محکمه می آیند گردیده و در نتیجه باعث دلسردی و ناامیدی مردم گردیده و میزان اعتماد و باور به سیستم قضایی کشور را به شدت کاهش می دهد. چنانچه یکی از باشندگان ولسوالی بلخاب ولايات سرپل می گوید: «غير حاضری قضاات در ولسوالی و مرکز ولايات موجب ضایع شدن وقت مراجعین، کندی در کار محاکم و تحمیل هزینه های زیاد بر مراجعین می شود که بعضی اوقات طرفین دعوا از ناگزیری به محاسن سفیدان و شورا های قومی و جرگه ها رو آورده به فیصله های قومی و محاسن سفیدان تن میدهند».

#### **1.4 دانش مسلکی قضاات و برنامه های ارتقای ظرفیت**

همانگونه که قوانین یک کشور همراه با تغییرات اجتماعی و نیازمندی های جدیدی همواره در حال تغییر و تحول و تکامل است، بدون تردید مجریان و تطبیق کنندگان قانون نیز باید همراه با تحولات و انکشافات حاصله، داشته های شان را نوسازی نموده و دانش حقوقی خود را روز آمد کنند.

از طرف دیگر ظهور پدیده های جدید ایجاب می نماید تا قوانین جدیدی برای تنظیم آنها وضع شود. این مسئله ضرورت نوسازی و روز آمدی دانش حقوقی قضاات محاکم را دو چندان می سازد. با توجه به این حقیقت ماده هجدهم مقرر طرز سلوک قضایی، بیان می دارد:

" قاضی برای انجام قضاوت عادلانه و اجرای سالم قوانین باید از تمام قوانین، میثاق ها و معاهدات بین المللی آگاهی داشته و به اجرای آنها متعهد و وفادار باشد. قاضی در حفظ و توسعه دانش و مهارت های خویش که در پیشبرد وظایف قضایی لازم و ضروری است گام های مناسب را اتخاذ می نماید و در این راستا، از برنامه های آموزشی که به همین منظور از طرف قوه قضاییه فراهم می شود، استفاده می نماید."

یافته های کمیسیون نشان میدهد که تحول و پیشرفت کافی در سطح دانش مسلکی قضات پیش نیامده و ظرفیت ها در این بخش به قدر کافی ارتقا نیافته است.

سه عامل عمده در تداوم این وضعیت نقش دارند که عبارتند از:

### **پایین بودن سطح تحصیلات قضات**

بر اساس آمار ارائه شده توسط مسئولان ستاره محکمه، درجه تحصیلی قضات و کارمندان اداری محاکم به این ترتیب است: "سه نفر دارای سند دوکتورا، هشت نفر دارنده سند ماستری، 1623 نفر دارنده سند لیسانس، 397 نفر دارای سند فوق بکلوریا، 1104 نفر دارای سند بکلوریا و تعداد 98 نفر دیگر دارای تحصیلات خصوصی می باشند"<sup>6</sup>

باین که این آمار وجود قضات غیر مسلکی را در محاکم تایید می کند؛ اما یافته های کمیسیون نیز نشان می دهد که تعدادی از قضات به ویژه قضاتی که سالها قبل در محاکم استخدام شده اند از سطح تحصیلی مناسب برخوردار نیستند و غالباً درک و دریافت تخصصی از موضوعات حقوقی و قانونی نداشته و با مبانی حقوقی موضوعات آشنایی کافی ندارند.

### **پایین بودن معیارهای آموزشی**

علاوه بر آن که تعدادی از قضات محاکم اصلاً تحصیلات عالی حقوقی ندارند. قضاتی که با مدارک تحصیلات عالی به سطح لیسانس از پوهنتون های داخلی فارغ شده اند، نیز از تخصص لازم و کافی برخوردار نمی باشند. وجود نصاب تعلیمی انکشاف نیافته در پوهنهی های حقوق و شرعیات افغانستان، سطح پایین آموزش های حقوقی در این مراکز باعث می گردد که فارغ التحصیلان این مراکز نیز توانایی و تخصص لازم را در موضوعات حقوقی کسب ننمایند. این امر از یک سو ضرورت نوسازی نصاب های درسی و روزآمد ساختن پوهنتون ها و موسسات تحصیلات عالی را دوچندان می سازد و از سوی دیگر، ضرورت ایجاد، توسعه، تعمیم و ارتقاء سویه دوره های استاز قضایی و آموزش های ضمن خدمت قضات را بیش از پیش آشکار می سازد.

### **ناکافی بودن برنامه های ارتقاء ظرفیت**

---

<sup>6</sup>. در دیدار با مسوولین ریاست کدر و پرسونل ستاره محکمه به تاریخ 1389/12/8.

باتوجه به دو مشکل قبلی قضات شدیداً به دوره و کورس های دراز مدت و کوتاه مدت برای ارتقا ظرفیت و افزایش سطح دانش حقوقی و روزآمد ساختن معلومات نیاز دارند. در این راستا به منظور ارتقای ظرفیت قضات که دولت به اساس استراتژی سکتور عدلی و قضایی به آن متعهد است، برنامه های متعددی در این زمینه تا حال توسط ستره محکمه و دیگر موسسات و نهاد های ملی و بین المللی از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، یوناما UNAMA، ایدلو IDLO، پی آر تی PRT، پروژه های عدلی و قضایی مربوط به یواس ایدی USIAD، ماکس پلانک Max Planck، JTZ جی تی زید، جی اس اس پی JSSP، و... اجرا و عملی گردیده است.

کورس عالی ستاژ قضایی که جهت فراگیری دانش مسلکی، تجربه عملی و آموزش قضات مسلکی در سال 1347 تاسیس و آغاز به فعالیت نموده است، در چوکات آمریت عمومی اداری ستره محکمه فعالیت می نماید. فارغین کورس عالی ستاژ قضایی می توانند با فراغت موفقانه از این کورس واجد شرایط انسلاک قضایی شده و به حیث قاضی توظیف شوند؛ اما تا هنوز تعداد زیادی از قضات که در گذشته ها مقرر گردیده اند، بدون سپری کردن کورس ستاژ قضایی به حیث قاضی ایفای وظیفه می نمایند.

هم اکنون علاوه بر شاملین در بیست و هفتمین کورس حدود 120 تن مصروف فراگیری آموزش های مسلکی می باشند. این در حالی است که قبل از این هر دوره این کورس مدت یک سال را در بر می گرفت و از آغاز امسال مدت این کورس به دو سال ارتقا داده شده، اما بر عکس چنانچه در دوره های قبلی (در سال 1385 به تعداد 175 تن، در سال 1386 به تعداد 200 تن، در سال 1387 به تعداد 200 تن)<sup>7</sup> رقم جذب ستاژان بیشتر بود، به تناسب شاملین دوره فعلی یک کاهش قابل ملاحظه در آن به نظر می رسد.

سایر برنامه های ارتقای ظرفیت را کورس های کوتاه مدت، سمینارها و ورکشاپ های تشکیل می دهد که از طرف ستره محکمه و سایر نهادها و موسسه های همکار با سیستم قضایی افغانستان راه اندازی و تدویر گردیده است. در این برنامه ها اکثر قضات مراکز ولایات و برخی از ولسوالی های نزدیک به شهر ها آموزش دیده اند و چانس اشتراک قضات ولسوالی های دور دست در این برنامه ها کمتر بوده، به همین ترتیب چانس اشتراک قضات ولایت های دور دست و ناامن نسبت به قضات ولایت کابل و دیگر ولایت های کلیدی کمتر بوده است.

یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که در ولایت ارزگان نسبت مشکلات امنیتی قضات این ولایت کمترین اشتراک را در برنامه های ارتقای ظرفیت داشته اند. همچنان یک تن از قضات ولسوالی دره ولایت پنجشیر اظهار نموده، در چند سال اخیر در هیچ برنامه ارتقای ظرفیت اشتراک نکرده و پیشنهاد کرد که بهتر است در همچو برنامه ها قضات بصورت مشخص از هر ولسوالی خواسته شده و برای شان سهم داده شود.

<sup>7</sup> داکتر عبدالملک کاموی و محمد عثمان ژوبل، دست آورد های ستره محکمه در چهار سال اخیر، سال 1389 ص 108.

با آنکه نمی توان تاثیرات مثبت دوره های استاژ قضایی را انکار کرد و به راستی که برگزاری این دوره ها در حد خود برای ارتقا دانش مسلکی قضات مفید و موثر بوده است؛ اما مشکل اساسی که در این زمینه وجود دارد آنست که دوره های استاژ قضایی نیز نتوانسته است تغییر چشمگیری را در سیستم قضایی کشور ایجاد نماید. دلیل عمده آن از یک سو برمی گردد به کوتاه مدت بودن این دوره ها و از سوی دیگر در محدودیت آن. دوره های استاژ قضایی در شرایط فعلی تنها تکافوی نیازمندی های تعداد اندکی از متقاضیان نمی تواند باشد؛ بلکه صدها متقاضی شغل قضاوت دارند و قضات بر حال ازین دوره ها محروم می مانند. پیامد چنین امری تداوم وضعیت موجود در محاکم و عدم تحول و پیشرفت کاری در کار محاکم و دانش قضات می باشد.

بدون تردید تعمیم و توسعه دوره های استاژ قضایی و دیگر دوره های آموزشی برای ارتقا دانش مسلکی قضات یک نیاز مبرم و مداوم می باشد. به شرط آنکه نخست برنامه های این دوره ها اعم از دوره های دراز مدت و کوتاه مدت دایما نوسازی و ارتقا یابد و از سوی دیگر زمان کافی و متناسب برای این دوره ها به ویژه دوره های کوتاه مدت در نظر گرفته شود و از همه مهمتر زمینه دسترسی و استفاده تمام قضات بر حال و متقاضیان قضاوت به این گونه برنامه ها فراهم گردد.<sup>8</sup>

یک موضوع قابل توجه برای کمیسیون در بررسی این گونه دوره ها و کورسها، میزان آشنایی قضات با معیار ها و استانداردهای بین المللی حقوق بشر و همچنین میزان تاثیر پذیری آنان از این گونه دوره ها و کورس ها و از همه مهمتر در نظر گرفتن مکلفیت نهادهای دولتی به شمول محاکم به رعایت حقوق بشر در محاکم و استناد به اسناد لازم الاجرای حقوق بشر در فیصله های محاکم می باشد.

در اکثر برنامه های آموزشی که برای قضات راه اندازی گردیده است، قضات در پهلوی فراگیری مسایل قانونی و حقوقی، با موضوعات حقوق بشری نیز تاحدودی آشنایی حاصل نموده و با آنکه بر نحوه نگرش و روش عده ی از قضات تاثیر گزار بوده است؛ اما تا هنوز برخی از موازین حقوق بشری در اجراءات اکثریت قضات در نظر گرفته نشده است و تاثیر قابل ملاحظه ی بالای شان برجای نگذاشته است.

برخی دفاتر ولایتی و ساحوی کمیسیون، نشانه های مثبتی را در این زمینه گزارش نموده است. به گونه ی مثال دفتر ساحوی کندهار در گزارش خویش خاطر نشان نموده که در گذشته اکثرا به عرایض زنان مبنی بر مطالبه تفریق و یا حق میراث ترتیب اثر داده نمی شد؛ اما در این اواخر در همچو موارد بصورت تبعیض آمیز برخورد نشده؛ بلکه مطابق به احکام قوانین نافذ کشور و شریعت اسلامی نسبت به این گونه موارد رسیدگی صورت می گیرد.

---

<sup>8</sup> در مصاحبه های که کمیسیون بابرخی از استادان و برگزار کنندگان این دوره داشته اند آنان به نا متناسب و ناکافی بودن زمان در نظر گرفته شده برای دوره کوتاه مدت و عدم امکان استفاده تمام قضات ازین دوره ها اذعان نموده اند.

دفتر ساحوی مزار شریف نیز ابراز داشته که قضات محاکم ولایت بلخ نسبت به گذشته در طی مراحل دوسیه های نسبتی متهمین در موعد معین قانونی آن کوشش نموده و هم چنان نسبت به حق کرامت انسانی متهمین احترام قایل می باشند. همچنین دفتر ساحوی کابل برخورد مسوولان محاکم استیناف ولایت های پروان و کاپیسا را به لحاظ تطابق با ارزش های حقوق بشری نسبتا مثبت تلقی نموده است.

در مجموع می توان گفت تاکنون اغلبا قضات محاکم از آموزش های مسلکی لازم و کافی برخوردار نشده و نیازمند ارتقای ظرفیت در زمینه بالا بردن سطح دانش حقوقی و روزآمد ساختن آگاهیهای حقوقی و قانونی می باشد. علاوه بر آن، درک و دریافت دقیق از موازین حقوق بشر و مکلفیت ها نسبت به رعایت آنها در صدور احکام قضایی برای قضات محاکم وجود ندارد. نسبت میان موازین اسلامی و قوانین نافذ کشور و معیارها و معاهدات بین المللی حقوق بشر مورد پذیرش افغانستان همچنان برای بسیاری از قضات حل نشده باقی مانده است.

این موضوع ضرورت برنامه ریزی دقیق تر در نصاب درسی دوره های استاژ و دوره های آموزش حقوق بشر و استفاده از استادان آگاه و مجرب در مسایل دینی و حقوق بشری را برای این دوره ها بیش از پیش ضروری می سازد.

## **1.5 دسترسی قضات به متون قوانین و سایر اسناد تقنینی**

افزایش مستمر آگاهیهای حقوقی و اطلاع جامع از قوانین کشور دسترسی قوانین داخلی و معاهدات بین المللی که افغانستان به آنها متعهد است و سایر منابع حقوقی و قانونی یکی از ضرورت های انکار ناپذیر قضات می باشد.

در سالهای گذشته، قضات و سایر نهاد های عدلی و قضایی دسترسی لازم به نسخه های قوانین نافذ کشور و سایر اسناد تقنینی و کنوانسیون های بین المللی که دولت افغانستان به آن ملحق شده نداشتند و اگر گاهی هم نسخه ی از یک قانون در یک اداره پیدا می شد، بدون دسترسی به تعدیل های آمده در آن و یا بدون آگاهی از تعدیل های که به آن وارد شده بود، از آنها کار گرفته می شد. قضات محاکم و سایر مسوولین عدلی و قضایی بعضا بصورت روایتی و از حافظه خویش مواد قانون را در گونه های مختلف جرایم و دعاوی حقوقی به کار می بردند و گاهی هم از کتب فقهی و مجله الاحکام استفاده صورت می گرفت. در حالیکه ماده 130 قانون اساسی حکم می کند که: « محاکم در قضایای مورد رسیدگی احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند. هر گاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده قضیه را به نحوی حل و فصل می نماید که عدالت را به بهترین وجه تامین نماید.»

بر اساس ماده 131 قانون اساسی رجوع به فقه مذهب جعفری نیز بر اساس قانون صورت می گیرد. همچنان ماده 1 قانون مدنی حکم می کند: « در مواردی که حکم قانون وجود داشته باشد، اجتهاد جواز ندارد. احکام این قانون به اعتبار لفظ و یا فحوای آن قابل تطبیق می باشد. در مواردی که حکم قانون موجود نباشد، محکمه مطابق به اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام حکم صادر می نماید که عدالت را به بهترین وجه ممکن آن تامین نماید.»

ماده 2 قانون مدنی حکم می نماید: «در مواردی که در قانون و یا اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام (حکمی) موجود نباشد، محکمه مطابق به عرف عمومی حکم صادر می نماید، مشروط بر اینکه عرف مناقض احکام قانون یا اساسات عدالت نباشد.»؛ اما طی چند سال اخیر اکثریت قضات به قوانین نافذ کشور که به همکاری مالی یو اس آی دی (USAID) چاپ و نشر گردیده است، دسترسی پیدا نموده اند. دفتر ماکس پلانک (Max Planck) نیز با آنکه کتاب های رهنمودی و آموزشی قوانین را چاپ و نشر نموده است، علاوه بر آن دوره های مکمل قوانین منتخب را به دسترس اشتراک کننده گان برنامه های آموزشی خویش قرار می دهد، تا از آن استفاده بعمل آورند.

طی دو سال اخیر وزارت عدلیه نیز با ابتکار درخور تحسین تعدادی از قوانین نافذ کشور را در مجموعه های منظم و به صورت نفیس چاپ و منتشر نموده است.

یافته های کمیسیون نشان می دهد که با وجود آنکه میزان دسترسی قضات به متون قانونی افزایش یافته است؛ اما هنوز هم برخی از محاکم و یا قضات محاکم به صورت کافی به قوانین دسترسی ندارند و در برخی از ولایت ها با تبدیلی قضات از یک محکمه به محکمه دیگر، قضات تمام قوانین موجود در محکمه را با خود انتقال می دهند. برخی از قضات پیشنهاد و تاکید دارند که قوانین باید در محکمه تسلیم داده شود و زمانی که قضات تبدیل می شوند قوانین را با خود نبرند.

همچنین یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که کنوانسیون های بین المللی که افغانستان متعهد و مکلف به اجرا و رعایت آنها می باشد، کمتر در دسترس محاکم قرار داشته و همچنان قضات از دیر رسیدن قوانین جدیدی که توسط وزارت محترم عدلیه در جریده رسمی منتشر می شود، شکایت دارند.

به گونه مثال به رغم گذشتن بیش از یکسال از انفاذ قانون احوال شخصیه اهل تشیع و قانون منع خشونت علیه زنان، محاکم برخی از ولایت ها تا هنوز این قوانین را دریافت نکرده اند. عدم آشنایی و عدم دسترسی قضات به قوانین جدید نافذ شده، نا آشنایی با معاهدات بین المللی حقوق بشر و مکلفیت های قضات به رعایت آنها و عدم دسترسی و یا عدم آشنایی قضات با اینترنت از جمله چالش هایی فراروی روزآمد شدن اطلاعات قانونی قضات و دسترسی کامل به مواد قانونی و اسناد تقنینی می باشد.

## 1.6 چالش های امنیتی

یکی از مشکلات و چالشهای نسبتاً دوام دار فراروی سیستم قضا و محاکم، تداوم، تشدید و گسترش ناامنی ها در سال های اخیر می باشد، این مشکل، حاکمیت قانون را بیش از پیش ضعیف ساخته و بر اجراءات و فیصله های محاکم و قضات بی تاثیر نمی باشد.

یافته های کمیسیون نشان می دهد که تهدیدات امنیتی دغدغه خاطری اکثریت از قضاتی بشمار می رود که با آن ها مصاحبه صورت گرفته است. برخی از قضات ادعا می نمایند که آن ها به منظور اجرای وظیفه مستقیماً توسط مخالفین مسلح دولت، متنفذین محلی، افراد مسلح غیرمسوول، اراکین و مقامات دولتی و یا طرفین دعوا تهدید شده

اند. این در حالیست که به موجب حکم ماده 73 قانون تشکیلات، وظایف و صلاحیت های محاکم، وزارت امور داخله و سایر مراجع ذیربط مکلف اند امنیت و حفاظت قضات و دفاتر مربوط و ادارات محاکم را تامین نمایند.

به اساس داده های تحقیقی کمیسیون، بیشترین تهدیدات علیه قضات توسط مخالفین مسلح دولت و افراد مسلح غیر مسوول صورت گرفته است. میزان تهدیدات توسط افراد مسلح غیر مسوول تقریباً به اندازه تهدیدات مخالفین مسلح دولت گزارش شده است. تهدیدات مخالفین مسلح دولت بیشتر در مناطق نا امن به ارتباط محاکمه متهمین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و اعضای گروه طالبان و حزب اسلامی صورت گرفته است.

تهدیدات علیه قضات توسط طرفین دعوا در درجه سوم قرار دارد. چون قاضی باید به نفع یکی از طرف های دعوا فیصله نماید، بنابراین گاهی طرف دیگر دعوا دست به تهدید قاضی می زند.

دریافت های ناظرین کمیسیون نشان می دهد که قضات در ولایت های غور، ارزگان، هلمند، فاریاب، دایکندی، هرات، فراه، نیمروز، بادغیس، کندز، بغلان، گردیز، ننگرهار، کنر، بلخ، پروان، میدان وردگ، جوزجان و حتی در بعضی از محاکم ولایت کابل توسط مخالفین مسلح دولت و یا افراد ناشناس مورد تهدید قرار گرفته اند. این افراد به طور مستقیم با قاضی یک محکمه در تماس شده و وی را تهدید به مرگ کرده اند.

در بعضی از موارد برخی از قضات مورد حمله مسلحانه قرار گرفته اند، چنانچه به تاریخ 1382/3/13 یک قوماندان مسلح غیر مسوول در شهر چغچران مرکز ولایت غور قاضی عبد الجبار عضو محکمه شهری ولایت غور را از داخل محکمه بیرون کشیده، و بعد از عبور دادن موصوف به شکل توهین آمیز از بین بازار شهر چغچران نامبرده را در اخیر بازار به قتل می رساند.

در ولایت غزنی بتاريخ 1386/5/5 چهار نفر از قضات هر یک قاضی محمد عالم رییس محکمه استیناف ولایت پکتیکا، قاضی عبدالخالق رییس دیوان مدنی محکمه استیناف ولایت پکتیکا، قاضی گل زمان رییس محکمه ابتدائیه شهری پکتیکا و قاضی عبدالخالق عضو محکمه شهری ولایت پکتیکا در منطقه سردار قلعه مربوط ولسوالی اندر غزنی در مسیر راه کابل از طرف مخالفین مسلح دولت بطور بی رحمانه به قتل رسیدند.

در سال 1388 حاجی عبدالعزیز خان قاضی محکمه ابتدائیه نهرسراج ولایت هلمند، از سوی اشخاص ناشناس به قتل رسیدند. همچنین در سال 1388 در ولسوالی فیض آباد ولایت جوزجان موتر کارمندان محکمه این ولسوالی توسط یک گروه مسلح مورد حمله قرار گرفت، که در نتیجه محرر این محکمه زخم برداشت. در ولایت خوست نیز یک قاضی محکمه استیناف این ولایت در اثر یک سوء قصد با انفجار بمب در مسیر خانه اش زخمی گردید و یک پای اش را از دست داد. همچنان در ولایت ارزگان مولوی تاج محمد یکی از قضات محکمه این ولایت مورد سوء قصد قرار گرفت.

در ولایت فاریاب یک قوماندان مسلح غیر مسوول با دو نفر از محافظین خود به تاریخ 1389/7/3 وارد محکمه ولسوالی المار شده و قاضی این محکمه را تهدید کرده، تا یکی از اقارب اش را که در توقیف به سر می برد، برائت بدهد.

قضات محکمه اختصاصی مبارزه با مواد مخدر در کابل نیز مدعی هستند که با تهدیدات امنیتی مواجه می باشند. گفته می شود که این تهدیدات بیشتر توسط مافیا و قاچاقچیان مواد مخدر صورت می گیرد. در سال 1387 رییس استیناف محکمه اختصاصی مبارزه با مواد مخدر در پیشروی منزل اش واقع در ناحیه هشتم شهر کابل توسط افراد ناشناس به قتل رسیده و از همین روی برای قضات این محکمه تدابیر بهتری امنیتی اتخاذ شده است.

قضات ریاست محکمه استیناف رسیدگی به جرایم ناشی از فساد اداری در کابل نیز گفته اند که از نگاه امنیتی احساس آرامش نمی کنند و برای آنها تدابیر امنیتی لازم اتخاذ نشده است. رییس این محکمه گفته است که او توسط افراد ناشناس از طریق تلفن تهدید به مرگ شده است.

به اساس اظهارات مسوولین در ستره محکمه تا کنون حدود 25 تن از قضات و 15 تن از کارمندان محاکم مورد سو قصد قرار گرفته و جان های خود را از دست داده اند. این منبع در مورد امنیت قضات یادآور گردید که قضات در مناطق و محلات شهری و جاهای که وضع امنیتی نسبتاً خوب است، کدام مشکل و دغدغه ای ندارند؛ ولی در ساحات ناامن، مناطق دور دست و کوهستانی در حالیکه قضات واسطه ترانسپورتی و محافظ شخصی نیز در اختیار ندارند، خطر امنیتی آن ها را بیشتر تهدید می کند.

با وجود آنکه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نتوانسته است، در پیوند به تهدید قضات اطلاعات بیشتر و دقیق تری را بدست آورد اما به احتمال زیاد می توان ادعا نمود که میزان تهدیدات علیه قضات محاکم در بیشتری از مناطق بیش از میزان گزارش شده، می باشد. نکته قابل تذکر آنست که تهدید قضات و ناامنی هیچگاهی نمی تواند صدور احکام غیر عادلانه توسط قضات را توجیه کند. قضات در هر حالت مکلف به صدور احکام عادلانه و رسیدگی عادلانه دعاوی و پرهیز از فیصله های غیر عادلانه و غیر قانونی است و دولت باید امنیت آنان را تامین نماید.

## بخش دوم: بررسی عملکرد محاکم

فلسفه وجودی قوه قضاییه تامین نظم، و عدالت از طریق اجرای قانون است. تامین عدالت هم وظیفه قضا است و هم هدف اجراءات قضایی. این هدف در صورتی محقق می‌گردد که دستگاه قضایی هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ رفتاری به گونه ای باشد که فرآیند اجراءات آن منصفانه و برابری آن عادلانه باشد.

حق برخورداری از محاکمه عادلانه از حقوق اساسی شهروندان و از حقوق بنیادین حقوق بشر می‌باشد. تضمین این حق از مسایل بنیادی تامین حاکمیت قانون، رعایت موازین حقوق بشر و تامین عدالت بشمار می‌رود. تضمین حق محاکمه عادلانه یکی از پارامترهای حکومتداری خوب و تضمینی برای حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد در برابر قانون و برخورد بی طرفانه محاکم با طرفین دعوا می‌باشد.

مهمترین شاخصه در بررسی عملکرد محاکم، میزان رعایت معیارهای محاکمه عادلانه در عملکرد آن می‌باشد. بنابراین در این بخش، عملکرد محاکم براساس شاخص‌های رعایت معیارهای محاکمه عادلانه توسط محاکم بررسی می‌گردد.

به دلیل اهمیت این موضوع، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها را مکلف دانسته تا رعایت این معیارها را در قوانین داخلی شان تضمین نمایند؛ و خوشبختانه در قانون اساسی و سایر قوانین نافذ افغانستان این معیارها به درستی به رسمیت شناخته و تضمین‌های نیز برای رعایت آنها با هدف حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد در نظر گرفته شده است.

سوالات اساسی در این بخش آن است که تا چه میزانی این معیارها در اجراءات محاکم رعایت می‌گردد؟ و عملکرد محاکم از این لحاظ چگونه ارزیابی می‌گردد؟ علل و عوامل نارسایی‌ها در عملکرد محاکم و مشکلات و چالش‌های فراوری آن کدامند؟

معیارهای کلی محاکمه عادلانه دربرگیرنده تمام مراحل قضایی یعنی از زمان گرفتاری شخص مظنون یا متهم به ارتکاب یک عمل جرمی تا صدور حکم و تطبیق جزا بر وی است؛ اما در این بررسی صرف آن معیارهای که بیشتر معطوف به اجراءات محاکم و قضات می‌شود و به نحوی اجراءات محاکم با آن رابطه مستقیم دارد و یا بر نحوه اجراءات و صدور احکام توسط محاکم تاثیر می‌گذارد مدنظر قرار گرفته است؛ اما پیش از همه ضروری است به اصل حق دسترسی به محاکمه صالحه که پیش شرط رعایت معیارهای محاکمه عادلانه است پرداخته شود.

### 2.1 حق دسترسی کافی به محاکم صالحه و قانونی

گزارش‌های واصله از دفاتر ساحوی و ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که تعداد محاکم غیر فعال در ولسوالی‌ها بیش از رقم ذکر شده در بالا می‌باشد؛ اما با این تفاوت که نسبت ناامنی‌ها محاکم بعضی از ولسوالی‌ها به مرکز ولایت مستقر بوده و در آنجا فعالیت می‌نمایند. در این خصوص مردم نسبت تهدیدات

مخالفین دولت، عدم توان جلب طرف مقابل، عدم تطبیق حکم محکمه در مورد موضوع دعوا یا مدعی بها، مشکل ترانسپورتی و سایر مشکلات از این دست، نمی خواهند و یا نمی توانند به این محاکم مراجعه نمایند. از همین روی اکثریت مردم به میکانیزم های غیر رسمی رسیدگی و حل منازعه روی می آورند.

چنانچه در بخش های قبلی این گزارش نیز یادآوری گردید، عوامل متعددی برای عدم دسترسی آسان مردم به محاکم قانونی وجود دارد. از یک سو عدم فعال بودن محاکم در سراسر کشور به ویژه ولسوال های نا امن، ناتکمیل بودن کادر اداری و مسلکی بسیاری از محاکم، فقر و ناامنی و از سوی دیگر نبود فرهنگ انضباط کاری و نظارت جدی و مستمر بر کار کارمندان اداری و مسلکی محاکم، وجود ناامنی ها در برخی از مناطق، دوری راه و مشکلات ترانسپورتی و حس بی مسوولیتی برخی از قضات از عوامل اصلی عدم برخورداری مردم از حق دسترسی آسان به محاکم قانونی می باشد.

## 2.2 اصل استقلال و بی طرفی قضات

براساس ماده 116 قانون اساسی، قوه قضاییه، یک رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. همچنان ماده 22 قانون اساسی حکم می نماید: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند».

ماده دوم قانون تشکیلات محاکم نیز صراحت دارد که: «قوه قضاییه رکن مستقل دولت بوده و مرکب از ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتداییه می باشد.» همچنان ماده 14 قانون تشکیلات محاکم حکم می کند: «محاکم حین رسیدگی به قضایا مستقل بوده و در صدور احکام صرف تابع قانون می باشند. رسیدگی و اصدار حکم توسط محاکم بر اساس اصل تساوی طرفین و در برابر قانون و محکمه و رعایت عدالت و اصل بی طرفی صورت می گیرد.» فقره یک ماده 14 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به تضمین استقلالیت و بی طرفی محاکم حکم می کند.

فصل دوم مقرر طرز سلوک قضایی برای قضات، تحت عنوان وظایف و مسوولیت های (قضات) بیشتر به استقلالیت و بی طرفی قضات در اجراءات شان تاکید نموده و ماده سوم این مقرر مقرر می دارد: «استقلال و بی طرفی قاضی تضمین کننده احقاق حق و تامین عدالت توسط قاضی است. بناءً قاضی از هر نوع دخالت یا کوشش برای مداخله در اموری که در حدود صلاحیت قضایی وی صورت می گیرد، چه از طرف مقامات بالا یا اشخاص من جمله اقارب وی باشد، جداً جلوگیری می نماید. قاضی به قانون احترام گذاشته و در مطابقت با احکام آن عمل می کند و همواره این نقطه را به یاد می داشته باشد که هنگام اجرای وظایف قضایی به جز از احکام قانون از هیچ مقام دیگری اطاعت نکند.»

استقلال و بی طرفی محاکم و قضات برای جلب اعتماد طرفین دعوا به اجراءات محاکم و سیستم قضاء و تامین عدالت بسیار مهم و ضروری می باشد. براین نکته هم در قوانین و مقرره های داخلی و هم در اسناد بین المللی

حقوق بشر تاکید زیاد صورت گرفته است. به همین علت است که ماده 118 قانون اساسی، غیر حزبی بودن اعضا ستره محکمه را در حال تصدی وظیفه شرط می داند.

یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که با وجود آنکه اکثریت از قضات که با آن ها مصاحبه صورت گرفته است، از استقلالیت خویش در تصمیم گیری ها سخن گفته اند؛ اما ناامنی ها، اعمال نفوذ توسط مقامات دولتی و متنفذین محلی، نبود امنیت شغلی و فساد اداری و نارسایی ها در سیستم های کنترل، تفتیش و نظارت بر اجراءات محاکم از جمله عواملی اند که در تصمیم گیری های قضات تاثیر گذار بوده و استقلالیت محاکم و غیر جانبداری قضات را بعضا زیر سوال می برد.

گزارش همکاران کمیسیون مبین این واقعیت است که قضات در برخی از ولسوالی ها از طرف متنفذین محلی تحت تهدید و فشار قرار می گیرند. اگر گاهی حکمی بر خلاف خواست و میل شان صادر نمایند، جان خود و حتی اعضای فامیل شان ممکن با خطر مواجه گردد.

ضعف حاکمیت دولت و عدم حاکمیت قانون در بعضی از مناطق دور دست باعث گردیده که اشخاص متنفذ، زورمداران و بزرگان قومی یا بر تصمیمات محاکم تاثیر می گذارند و یا بعضا مانع سیر قانونی یک دعوی جزایی شده و بر خلاف احکام قانون آنها خود به عوض مراجع و مقامات مسوول تصمیم اتخاذ و فیصله های جزایی خویش را به منصفه اجرا قرار دهند که از آن جمله می توان به سنگ سار یک زن در ولایت بدخشان، سنگ سار نمودن دو دختر جوان و شلاق زدن دو زن و یک مرد در ولایت غور، محاکمه صحرائی دو زن توسط طالبان در ولایت غزنی، مجازات نمودن توهین آمیز و خود سرانه یک مرد در ولایت ارزگان و بالاخره سنگ سار نمودن دو زوج جوان در ولایت کندز اشاره نمود.

یک تن از شهروندان ولسوالی خواجه دو کوه ولایت جوزجان به ناظرین دفتر ساحوی مزار شریف در رابطه به رسیدگی به قضایا ابراز نظر نموده و بیان داشته است: «در این ولسوالی باید بگویم که زور زور است دیگه. اگه بچه آدم پول دار باشی و کسی را لت کنی، همین محاسن سفیدها فیصله می کنن هیچ نمی گذارند که گپ به دولت بکشه، اگه گپ هم دولتی شوه وقتی بزرگان مداخله می کنند رها می شود.»

### 2.3 اصل تساوی در برابر قانون

اصل برابری همه ی افراد در مقابل قانون و منع هر نوع تبعیض از حیث قوم، نژاد، منطقه، جنس، زبان، موقف اجتماعی و دیگر ملحوظات یکی از اصول اساسی حقوق بشر و معیار های محاکمه عادلانه بشمار می رود. این اصل اساسی در ماده 26 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>9</sup>، ماده 22 قانون اساسی کشور<sup>10</sup>، ماده 14

---

<sup>9</sup> ماده 26 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی - همه ی اشخاص در مقابل قانون برابر و مستحق اند که بدون هیچ نوع تبعیض از طرف قانون حفاظت گردند و در این قسمت قانون باید هر نوع تبعیض را ممنوع قرار دهد و مساوات تمام افراد را ممنوع قرار دهد و مساوات همه ی افراد را تضمین کند و مصونیت و حفاظت همه ی مردم را در مقابل تبعیض به هر اساسی که باشد مانند رنگ، نژاد، جنس، زبان و یا ملحوظات دیگر مانند ملیت، اهلیت اجتماعی، اصل و نصب و یا موقف دیگر تعیین کند.

قانون تشکیلات، وظایف و صلاحیت های محاکم<sup>11</sup> و در برخی از مواد قانون اجراءات جزایی موقت تضمین گردیده است.

اصل تساوی همه در مقابل قانون با اصل استقلالیت و بی طرفی قضات نیز رابطه نزدیک دارد و محاکم مکلف اند، با توجه به اصل برابری همه در مقابل قانون، برخورد مساوی و غیر جانبدارانه با طرفین دعوا به شمول حارنوال و وکیل مدافع داشته باشند.

بررسی های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد که موجودیت فساد اداری، ارجحیت روابط بر ضوابط، ضعف حاکمیت قانون، چالش ها و تهدیدات امنیتی، اعمال نفوذ زورمندان، نبود نظارت لازم بر عملکرد قضات و بعضا برخورد های سلیقوی با قضایا و تبعیض جنسیتی باعث می شود که اصل تساوی در برابر قانون به گونه ی که لازم است، توسط محاکم رعایت نگردد.

وضعیت دسترسی زنان به عدالت و تساوی در برابر قانون یکی از موضوعات اساسی که در عملکرد محاکم باید به آن توجه لازم صورت گیرد. در ارتباط به دسترسی زنان به محاکم صالحه و تساوی در برابر قانون، از یک سو، نگرش های مردسالارانه موجود در افغانستان در نحوه و روش برخورد قضات محترم با قضایای مربوط به زنان بی تاثیر نمی باشد و از سوی دیگر مشکلات خاص دامنگیر زنان افغانستان یکی از مشکلات فراروی تامین و تضمین اصل تساوی در برابر قانون می باشد.

تضمین برابری حقوق زن و مرد در ماده 22 و سایر مواد قانون اساسی تسجیل شده است که بر اساس آن زنان می توانند در تمامی عرصه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مدنی حضور داشته و بدون هیچ نوع تبعیض از فرصت ها و حمایت های قانونی طور مساوی با مردان برخورد شوند؛ ولی در عمل دیده می شود که هنوز مشکلات زیادی در برآورده شدن و دست یافتن به این آرمان وجود دارد.

با توجه به مشکلات که در راستای تامین عدالت به صورت عمومی در سطح کشور وجود دارد و تا اینجا به آنها اشاره گردید، وضعیت دسترسی زنان به عدالت به عنوان یک بحث جدا از آن نبوده، بلکه به لحاظ آسیب پذیری و متاثر شدن مضاعف زنان از این وضع، ایجاب بررسی بیشتر را می نماید.

اهمیت بررسی این مساله از آن جهت است که افزون به چالش های عام و کلی که در برابر سیستم قضایی کشور در انجام وظیفه دشوار تامین عدالت وجود دارد، زنان از نقطه نظر ساختار های زن ستیزانه ی تاریخی، فرهنگی و سنتی حاکم در جامعه مرد سالار بیش تر قربانی می دهند.

---

<sup>10</sup>. ماده 22 قانون اساسی - هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.  
اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.  
<sup>11</sup>. ماده 14 قانون تشکیلات و صلاحیت های محاکم - رسیدگی و اصدار حکم توسط محاکم بر اساس اصل تساوی طرفین در برابر قانون و محکمه و رعایت عدالت و بی طرفی صورت می گیرد.

با آنکه شریعت اسلامی برای زن حقوق و جایگاهی ویژه‌ی را در نظر گرفته است، اما بسیاری از خانواده‌های مسلمان به حقوق شناخته شده‌ی زن در شریعت اسلامی، نه تنها بهایی قایل نمی‌شوند؛ بل افزون بر آن بسیاری از اعمال زن ستیزانه‌ی خود را که در حقیقت امر بر خلاف دساتیر و شعایر دین مقدس اسلام است، توجیه دینی می‌کنند.

خشونت علیه زنان در تمام لایه‌های اجتماعی وجود دارد. بسیاری از زنان در خانواده پدر و یا شوهر مورد تبعیض و خشونت قرار می‌گیرند. اگر یک زن بخاطر احقاق، دادخواهی و اعاده حقوق خویش به مراجع قضایی مراجعه کند، علاوه بر موجودیت چالش‌های بازدارنده تامین عدالت در جامعه که پیش از این گفته شد، شاید به دلیل زن بودن اش نیز مورد تبعیض جنسیتی قرار گرفته و نه تنها به حقوق خود دست نیابد، بلکه دیگر مجالی بازگشت به خانواده را نیز از دست می‌دهد.

یافته‌های نظارتی و بررسی‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همه ساله نشان دهنده آمار رو به افزایش خشونت‌ها در برابر زنان است. افزایش خشونت‌ها ارتباط تنگاتنگ با معافیت از مجازات عاملین خشونت و عدم رسیدگی لازم از سوی مراجع عدلی و قضایی دارد.<sup>12</sup>

بررسی‌های کمیسیون مبین این امر است که عده‌ی از قضات آگاهی کامل از حقوق شرعی و انسانی زنان نداشته و یا به آنها اعتقاد کامل ندارند. عدم آگاهی کافی از موازین شریعت و عدم برداشت دقیق از قوانین نافذ و تحولات پیش آمده در آنها (بویره نافذ شدن قانون منع خشونت علیه زنان و معاهدات بین المللی حقوق بشر که افغانستان به آنها ملحق شده است) و حاکمیت سنت‌ها و باورهای مردسالارانه در ذهن و ضمیر جامعه و برخی از قضات، زنان را در معرض محدودیتها و تبعیضات غیر شرعی و غیر قانونی نگهداشته است.

از این روی میزان مراجعه و اعتماد زنان به محاکم در یک سطح پایین قرار داشته؛ اما بر عکس دیده می‌شود که تعداد دختران و زنان محجوز و زندانی در مراکز اصلاح و تربیت اطفال و محلات سلب آزادی که به اتهام ارتکاب جرایم اخلاقی و حتا فرار از منزل به قصد ازدواج که مطابق به قانون جرم نمی‌باشد، به تناسب مردانی که به جرم خشونت و بدرفتاری و آزار و اذیت زنان زندانی شده باشند، در سطح بسیار بلندی قرار دارد.

این مشکلات در حوزه جنوب غرب و جنوب شرق و تعدادی از ولسوالی‌ها در شمال افغانستان بیشتر دیده می‌شوند که در این ساحات نه تنها بی‌توجهی در مورد زنان بلکه در کل حاکمیت قانون وجود دارد.

یافته‌های کمیسیون نشان می‌دهد که در بعضی از ولایت‌ها زنانی که خود قربانی تجاوز جنسی بوده‌اند، به اتهام انجام فعل زنا زندانی شده‌اند. این نگرانی زمانی دو چندان می‌شود که بعضا فاعل تجاوز جنسی تحت تعقیب عدلی قرار نگرفته و یا بعد از گرفتاری دوباره رها شده و مجنی علیه در سلب آزادی باقی می‌ماند.

---

<sup>12</sup> - برای آگاهی بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: گزارش‌های سالیانه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

مثلا در ولایت بامیان یک زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود و سارنوالی نیز نظر به دلایل و شواهد موجود، وصف جرمی قضیه را تجاوز جنسی تشخیص داده بودند؛ اما در مرحله محاکمه، قضات وصف جرمی قضیه را از تجاوز جنسی به "زنا" تغییر دادند و قربانی را نیز متهم تلقی نمودند. در حالیکه هیچ دلیلی برای اثبات فعل زنا وجود نداشت و برعکس دلایل کافی برای اثبات تجاوز جنسی در دوسیه موجود بود.

کمیسیون پولیس زن، سارنوال زن، وکیل مدافع و قاضی زن از عوامل عمده مشکلات زنان در امر دسترسی به عدالت می باشد. زیرا زنان شاید نتوانند بسیاری از مسایل مربوط به یک قضیه حقوقی یا جزایی را با مردان شریک بسازند. در حالیکه به جز در چند شهری بزرگ در تمامی ولایت ها و ولسوالی ها حارنوال، وکیل مدافع و قضات زن وجود ندارد.

#### 2.4 اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها یکی از اصول بنیادین حقوق جزا و معیار های محاکمه عادلانه است. اصل قانونی بودن جرایم و جزا ها به این معنا است که هیچ عملی جرم شمرده نمی شود، مگر اینکه آن عمل به صورت واضح و بدون هیچ نوع ابهام در قانون که قبل از ارتکاب عمل نافذ گردیده، جرم شناخته شده و برای مرتکب احتمالی آن در قانون مجازات تعیین شده باشد.

این حمایت قانونی در بند یک ماده 15 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>13</sup>، ماده 27 قانون اساسی<sup>14</sup> و مواد 2، 3 و 21<sup>15</sup> قانون جزا تضمین گردیده است.

یافته های کمیسیون در جریان این نظارت و دریافت شکایت های شهروندان نشان می دهد که عدم رعایت اصل قانونیت جرایم و مجازات از دیگر موارد نگران کننده است. نمونه های از عدم رعایت کامل اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها تقریبا در اجراء محاکم را در همه ولایت های کشور می توان دریافت.

علل و عوامل مختلفی در تداوم این وضعیت نقش دارند که مهمترین آنها را می توان در عدم آگاهی لازم مردم و مجریان قانون به شمول قضات محاکم از قوانین و درک ضعیف از مسایل حقوقی، نهادینه نشدن حاکمیت قانون،

---

<sup>13</sup>. بند یک ماده 15 کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی - هیچ کس به ارتکاب فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین المللی جرم نبوده محکوم نمی شود و هم چنین مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد.  
<sup>14</sup>. ماده 27 قانون اساسی - هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.  
هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

<sup>15</sup>. ماده 2 قانون جزا- هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به موجب قانون.  
ماده 3 قانون جزا- هیچ کس را نمی توان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.  
ماده بیست و یکم قانون جزا- (1) مرتکب جرم به موجب قانونی مجازات می شود که در وقت ارتکاب فعل نافذ باشد مگر اینکه قبل از صدور حکم قطعی، قانون جدیدی که به نفع متهم باشد نافذ گردد.(2)- اگر بعد از صدور حکم قطعی قانونی نافذ گردد که به موجب آن فعلی را که متهم به ارتکاب آن محکوم گردیده قابل مجازات نداند حکم متوقف و آثار جزایی مترتب بر آن از بین می رود.

ذهنیت های منفی سنتی حاکم بر جامعه، تعصبات و دگم اندیشی های سنتی و مذهبی و اعمال نفوذ و فشار زورمندان و قدرت مندان محلی جستجو نمود.

همچنین عدم درک صحیح از سلسله مراتب قوانین و گونه های تعارض میان اسناد تقنینی و راههای حقوقی حل تعارض آنها و نسبت میان قوانین وضعی و شریعت و یا قوانین داخلی و معاهدات بین المللی می تواند از دیگر عوامل عدم رعایت اصل قانونیت جرایم و مجازات ها محسوب گردد.<sup>16</sup>

به عنوان مثال، فرار از منزل به قصد ازدواج در قوانین جزایی کشور جرم شناخته نشده، ولی در بیشتری از ولایت های کشور بر خلاف اصل قانونیت جرایم و مجازات، محاکم به مجازات عاملان همچون قضایا اصدار حکم می نمایند. در بعضی از حالت ها بر خلاف واقعیت وصف جرمی توسط مراجع کشف یا تحقیق تغییر داده شده و اکثرا پسرانی را که همراه با دختر مورد نظر شان به قصد ازدواج فرار نموده اند، به عنوان اختطاف گر مورد تعقیب عدلی قرار داده و به مجازات شان توسط محاکم حکم می شود.<sup>17</sup>

مثالی دیگر در این زمینه قضیه شخص تاجری است که تیزاب سرکه را از خارج کشور وارد نموده و زمانی که می خواسته امتعه تجارتي خویش را از یک ولایت به ولایت دیگر انتقال دهد از سوی موظفین امنیتی دستگیر می گردد. با آنکه بالاخره تثبیت گردیده که مال وارداتی این شخص غیر مجاز نبوده؛ ولی حسب پیشنهاد حارنوال مبنی بر اینکه ممکن است در اثر تعاملات کمیابوی پیشرفته تیزاب سرکه به تیزاب کرسنال تبدیل شود، تاجر را مستوجب مجازات قاچاق ترکیبات مواد مخدر دانسته و محکمه ابتداییه مبارزه با مواد مخدر شخص تاجر را محکوم به جزا نموده است.

یک تن از قضات ولایت پنجشیر در مورد اینکه علاوه از قوانین از کدام منابع دیگر در اجراءات شان استفاده به عمل می آورند، اظهار نمود اگر در یک مساله قانون صراحت نداشته باشد، آن ها از مصوبه های ستره محکمه (اشاره به مصوبه ستره محکمه در مورد فرار از منزل) حتا در مسایل جزایی نیز استفاده می نمایند. وی اضافه نمود که ستره محکمه مرجع بالاتر می باشد و آن ها خود را مکلف به رعایت دستور های صادره توسط آن نهاد می دانند.

## 2.5 اصل برائت الذمه

اصل برائت ذمه و یا به عبارتی فرض بیگناه بودن، از اصول بنیادین حاکم بر قواعد جزایی و از معیارهای اصلی محاکمه عادلانه می باشد. این اصل بر تمامی مراحل و فرایندهای جزایی، اعم از مرحله مظنونیت، اتهام و یا محکومیت غیر قطعی، حاکم می باشد. مهمترین هدف از حاکمیت این اصل در مرحله صدور حکم، جلوگیری از

<sup>16</sup> . چنانچه یک قاضی از ولایت پنجشیر در این مورد به مصوبه شماره (572) مورخ 1389/6/2 شورای عالی ستره محکمه اشاره نموده و گفت که آنان خود را مکلف به رعایت مصوبات ستره محکمه منحبث مقام ذیصلاح خویش می دانند.

<sup>17</sup> . چنانچه شخصی به اسم ... همراه با یک دختر به قصد ازدواج فرار نموده بودند با آنکه به رضایت خود دوباره برگشته و دختر با پادرمیانی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به فامیل آن تسلیم داده شده بود، چندی بعد نام را که در نزدیک مکتب دختر دیده شود بود به اتهام اقدام به اختطاف دستگیر و توسط محکمه حوزه شهر کابل به حبس محکوم گردید.

صدور محکومیت های غیر واقعی و مبتنی بر اشتباه و ظن و گمان و تاکید و تضمین بر ضرورت صدور احکام محکومیت توسط محاکم مبتنی بر دلایل و اسناد یقین آور و قانونی، منع پیش داوری در مورد مظنونین و متهمین قبل از قطعیت حکم محکمه با صلاحیت، منع دستگیری و توقیف خود سرانه، منع تشهير متهمین و مظنونین و منع نشر اسناد، معلومات و حقایق قضایا از طریق رسانه ها مگر به حکم قانون و محکمه با صلاحیت (به عنوان مجازات تکمیلی) می باشد.

اصل برائت ذمه در دین مقدس اسلام نیز به رسمیت شناخته شده است. به عنوان نمونه، قاعده معروف " درء حدودبه سبب شبهات" نیز بر آن تاکید دارد. اصل برائت ذمه در قوانین افغانستان نیز به رسمیت شناخته شده است. ماده 25 قانون اساسی افغانستان تصریح می کند: «برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.»

بر اساس این ماده قانون اساسی حتی بعد از صدور حکم محکمه ابتدائیه مبنی بر محکومیت متهم باز هم فرض برائت در مورد وی صادق است، زیرا چه بسا محکمه استیناف، محکومیت صادره از سوی دادگاه بدوی را نقض کند و تنها زمانی می توان فرض برائت ذمه را کنار گذاشت که حکم قطعی از سوی محکمه بر محکومیت متهم صادر شده باشد.

در ماده چهارم قانون اجراءات جزایی موقت نیز این اصل به صراحت ذکر شده است: از آغاز اقامه دعوی جزایی الی تثبیت مسئولیت جرمی که شخص به حکم نهایی محکمه محکوم علیه قرار می گیرد، بیگناه پنداشته می شود. اگر فیصله باعث سلب و یا محدودیت حقوق بشری شخص می گردد، باید استوار به دلایل قانونی بوده که محدود به کشف حقیقت باشد.

برائت ذمه نخست از همه، مستلزم بی طرفی قاضی می باشد. حق برائت ذمه خواهان آن است که قاضیان و سایر مامورین دولتی از قبل قضاوت کردن (پیش داوری) نسبت به یک قضیه خودداری ورزند.<sup>18</sup>

همچنان ماده 11 مقررہ طرز سلوک قضایی صراحت دارد: " هر یک از اصحاب دعوا حق دارد تا بصورت آزادانه در جلسه قضایی حضور یابد. پس قاضی اجازه ندهد هنگام استفاده از این حق بالای آنان محدودیتی وضع گردد. منجمله قاضی اجازه ندهد مسوولین امنیتی متهم را با زنجیر و زولانه و ولچک و دستبند وارد جلسه قضایی نمایند." زیرا حاضر نمودن متهم همراه با ولچک و زولانه و موجودیت چندین مامور امنیتی مبین آن است که گویا قاضی به این باور است که متهم یک شخص خطرناک است و این باور وی می تواند به مثابه پیش داوری در قبال شخص متهم پنداشته شده و اصل برائت ذمه را با سوال مواجه سازد.

<sup>18</sup>. رهنمود انستیتوت ماکس پلانگ پیرامون موازین محاکمه عادلانه، ص 19.

بعضی از دفاتر کمیسیون گزارش داده اند کسانی که متهم به جرایم اخلاقی، قتل و سرقت شده باشند، برخی از قضات محاکم نه تنها به حرف های شان توجه نداشته، بلکه بدون در نظر داشت اصل برائت الذمه و حق کرامت انسانی، متهم را مورد توهین و تحقیر قرار می دهند.

از دیگر مواردی که از جمله مسئولیت های محکمه در قبال رعایت اصل برائت ذمه می باشد، رعایت حکم ماده 12 مقرر طرز سلوک قضایی است که چنین حکم می کند: « تا زمانی که موافقه صریح طرفین دعوا و تایید قاضی حاصل نشود، ثبت تصویری یا سمعی و یا پخش مستقیم جریان محاکمه به خارج از جلسه جواز ندارد». به این اساس رسانه ها می توانند بعد از اخذ موافقت طرفین دعوا به ویژه موافقت متهم در مسایل جزایی و تایید قاضی نوار صوتی ثبت یا از جریان محاکمه عکاسی نمایند. با آنهم کوشش صورت گیرد تا از نمایش صورت متهم تا زمانیکه حکم قطعی نگردیده و در نص فیصله به نشر آن حکم صورت نگرفته باشد، از هر نوع افشاگری در مورد متهم اجتناب صورت گیرد.

یکی دیگر از مواردی که باعث نقض حق برائت ذمه شخص متهم می شود، نگهداری غیر قانونی برائت یافته گان در محلات سلب آزادی می باشد. دفتر ساحوی کابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در جریان یک نظارت از محابس ساحه کاری خود (عمدتا از محبس پلچرخی و توقیف خانه ولایت کابل)، حدود 102 تن از سلب آزادی شده ها را شناسایی نمود که در محاکم ابتداییه و استیناف برائت حاصل نموده بودند؛ اما خلاف حکم ماده 25 و حکم ماده 4 قانون اجراءات جزایی موقت در حالت سلب آزادی بسر می بردند که موضوع از سوی این دفتر تعقیب گردیده و تعداد زیادی از آنها در اثر کوشش های کمیسیون از محل سلب آزادی رها شدند. این در حالیست که ماده 8 مقرر طرز سلوک قضایی حکم می کند که « قاضی صلاحیت دارد تا از تطبیق و اجرای تمام قرارها واحکام صادره خویش در حدود مجوزه قانونی مراقبت نماید».

## 2.6 اصل تحصیل دلیل از راه های قانونی

درفرایند رسیدگی جزایی ویا تعیین مجازات ها، هر نوع اقدامی که به حقوق اساسی فرد اختلال وارد آورد، باید مبنای قانونی داشته باشد و قرارها واحکام محاکم به دلایل مستند گردد که به صورت قانونی به دست آمده باشند. بنابراین، هر نوع توقیف و دیگر اقدامات الزام آور و اجباری علیه متهم باید براساس قانون ومجوزهای قانونی ومبتنی برمدارک ودلایل قانونی باشد و هر نوع تخلف وتخطی ازآن نقض صریح قانون و موجب مسئولیت خواهد بود.

براساس معیارهای بین المللی حقوق جزایی ومعیار های محاکمه عادلانه، دلایل جمع آوری شده علیه متهم باید به روش های قانونی تحصیل شده باشد ودرغیر آن از اعتبار ساقط است. ازجمله در بند هفتم قطعنامه نهایی پانزدهمین کنگره بین المللی حقوق جزا به صراحت آمده است: کلیه دلایلی که با نقض حقوق اساسی افراد تحصیل شده باشد، باطل و بلااثر است و نمی تواند به هنگام دادرسی مورد ارزشیابی قرار گیرد.

در این رابطه اسناد بین المللی با تاکید بر ضرورت «تحصیل دلیل به روش قانونی» با هدف مبارزه یا بکارگیری روشهای غیر قانونی در تحصیل دلیل و بی اعتبار ساختن این گونه دلایل غیر قانونی از سارنوالان می خواهد با دقت قواعد زیر را عایت نمایند:

اول: عدم استفاده از دلایلی که از طریق غیر قانونی به دست آمده باشد؛

دوم: اقدامات لازم به منظور محاکمه و مجازات افراد مسئول این گونه اقدامات.

عدم رعایت حق سکوت متهم و اعمال هر نوع فشار غیر قانونی و شکنجه متهم برای اعتراف مظنون و یا متهم از مصادق عمده تحصیل دلیل به روش های غیر قانونی محسوب می گردد. یکی از حقوق اساسی متهم در هنگام حضور در مرحله تحقیقات، حق سکوت است. ماده 55 اساسنامه دیوان جزایی بین المللی آنگاه که حقوق اشخاص در حین تحقیق را بیان می کند، در قسمت (ب) بند 2 این ماده مقرر می دارد:

متهم می تواند سکوت اختیار کند بدون اینکه آن سکوت دلالت بر مجرمیت و یا بی گناهی وی داشته باشد. قواعد دادرسی و ادله دادگاه های بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رندا نیز در قسمت سوم بند الف قاعده 42 بر حق سکوت متهم تاکید می کند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در تفسیر شماره 13 خود راجع به این مطلب اظهار داشته است: به منظور وادار کردن متهم به اقرار یا اظهاراتی علیه خودش، غالباً از روش هایی استفاده می شود که مفاد قسمت (ز) بند 3 ماده 14 میثاق را نقض می کند. قوانین کشورها باید روشهای مذکور یا موضوع دیگری از اجبار را غیر قابل پذیرش بدانند.

رعایت حق سکوت متهم نیز در قوانین افغانستان به رسمیت شناخته شده و شکنجه و اقرار اکراهی ممنوع شمرده شده است. در ارتباط به حق سکوت مظنون و متهم، در بند 6 ماده پنجم قانون اجراءات جزایی موقت آمده است: «مظنون و متهم حق دارد سکوت اختیار نموده از اظهار هر گونه بیان امتناع ورزد، گرچه توسط پولیس یا مقامات قضایی تحت بازپرسی قرار گیرد»

شکنجه نیز در قانون اساسی (ماده 29) و قانون اجراءات جزایی موقت افغانستان (بند 4 ماده 5) ممنوع اعلام شده است. بنابراین می توان گفت که نقض حق سکوت و اجبار متهم بر بازگویی مطالب و استفاده از آن مطالب به عنوان دلیل بر اتهام مظنون، از مصادق و موارد تحصیل دلیل بصورت غیر قانونی محسوب می شود.

بر همین اساس ماده 7 قانون اجراءات جزایی موقت افغانستان به صراحت اعلام میدارد: دلایل و شواهدی که بدون رعایت احکام قانون، جمع آوری شده باشد، فاقد اعتبار بوده و محکمه نمی تواند مستند به آن حکم نماید. حکم این ماده مطلق بوده و هیچ قید و شرطی ندارد و از جمله «قواعد آمره» حقوقی محسوب می گردد و محاکم در هر شرایطی مکلف اند آنرا رعایت کنند و با وصول دلایل اتهام از طرف سارنوال، نخست باید احراز کند که دلایل جمع آوری شده توط خارنوال به روش قانونی بدست آمده است یاخیر؟ سپس به برگزاری جلسه محاکمه اقدام و یا به آن دلایل استناد کنند.

در نتیجه، هرگاه قاضی احراز کند که در هر یک از مراحل کشف، تحقیق و تعقیب جرم، متهم از روی اجبار یا اکراه اقرار به ارتکاب جرم کرده است، بر طبق ماده 7 قانون فوق، چنین اقراری بصورت غیر قانونی اخذ شده و معتبر نخواهد بود و قابل استناد نمی باشد. در این خصوص ماده 16 مقرر طرز سلوک قضایی برای قضات نیز مقرر می دارد: « هر گاه قاضی در جریان رسیدگی موضوع متوجه نقض حقوق اساسی متهم در پروسه کشف و تحقیق جرم گردد. او مکلف است بعد از ختم قضیه فیصله خود را مبنی بر چگونگی نقض حقوق متهم صادر و آنرا به مراجع مربوطه جهت اجراءات بعدی و پیگرد احتمالی راجع سازد.» یافته های کمیسیون نشان می دهد که متأسفانه این اصل در جریان محاکمه به درستی و دقت رعایت نمی گردد.

بر اساس گزارش های ناظران کمیسیون و اظهارات تعدادی زیادی از وکلای مدافع و مساعدين حقوقی، قضات محترم در هنگام محاکمه و صدور رای اکثراً به آن چه از جانب مراجع کشف و تحقیق در دوسیه وجود دارد اکتفا نموده و نسبت به احراز قانونی بودن روشهای تحصیل آن دلایل، دقت و توجه لازم را به خرج نمی دهند و به نحوه اعترافات بدست آمده و دلایل و یا اعتراضات متهم و یا وکیل مدافع آن در حضور محکمه به قدر کافی اهمیت نمی دهند. در حالی که مطابق حکم ماده 16 مقرر طرز سلوک قضایی و ماده هفتم قانون اجراءات جزایی و بگر قوانین مربوطه، نه تنها اعتراف های که بصورت غیر قانونی از نزد متهم گرفته می شود، مستند حکم قرار گرفته نمی تواند، بلکه مراجع کشف و تحقیق نیز باید متوجه باشند در مقابل برخورد های غیر قانونی شان با متهمین نزد مراجع عدلی و قضایی مسوول می باشند.

## 2.7 اصل عدم تأخیر در روند رسیدگی قضایا

یکی دیگر از حقوق مسلم شهروندان رسیدگی به قضایای آنها توسط محاکم در موعد معین قانونی می باشد. رسیدگی به قضایا در موعد قانونی هم به حل دعوی و معضلات موجود کمک می کند و هم مردم را نسبت به پیگیری قضایا از راهای قانونی امیدوار می سازد و در نتیجه میزان مراجعه و اعتماد مردم را به دستگاه قضایی کشور بالا می برد.

این حق در اسناد بین المللی حقوق بشر و لازم الاجرا برای افغانستان به صراحت اعلام شده است. از جمله در بند سوم ماده دوم میثاق بین المللی حق مدنی سیاسی آمده است: در ماده نهم - بند سوم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده، هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت می گردد، باید بی درنگ در مقابل قاضی آورده شود و شایسته است که در مدت معقولی محاکمه گردد و یا آزاد شود. نباید بازداشت و انتظار محاکمه افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید."

رسیدگی به قضایا در موعد قانونی نشان میدهد که سیستم قضایی به درستی کار می کند همانطوری که عدم رسیدگی در موعد معین، نشانه ای از وجود مشکل و یا مشکلات جدی در این سیستم می باشد. همچنین در ماده 14 این میثاق نیز بر حقوق متهمین و بازداشتشدگان از جمله حق بررسی قضایی دوسیه بدون تأخیر تأکید شده است. قوانین نافذ کشور نیز بویژه برای حل قضایای جزایی و مدت توقیف چوکات زمانی مشخصی را معین ساخته است.

بر اساس ماده ششم قانون اجرائات جزایی موقت:

(1) مدت توقیف موقت بعد از گرفتاری در جریان تحقیق طبق ماده 36 همین قانون تعیین می گردد. (بر اساس ماده 36 این مدت 15 روز است و تنها برای 15 روز دیگر به اثر درخواست به موقع خارنوال قابل تمدید است)

(2) محکمه ابتداییه می تواند در جریان محاکمه مدت توقیف را برای دوماه دیگر تمدید نماید.

محکمه مرافعه می تواند در جریان محاکمه این مدت را برای دوماه دیگر تمدید نماید. ستره محکمه در جریان محاکمه صلاحیت دارد این مدت را برای پنج ماه دیگر تمدید نماید.

(3) هرگاه میعاد تمدید مندرج فقره (2) این ماده در جریان محاکمه منقضی شود شخص توقیف شده از حبس رها می گردد.

بر این اساس توقع می رود قضایا در همان چارچوب مشخص و معقول قانونی حل و فصل گردیده و محدودیت مدت گرفتاری و توقیف مظنون و متهم نیز در نظر گرفته شود؛ اما متأسفانه این موضوع به درستی رعایت نمی گردد. یافته های کمیسیون نشان می دهد که تعداد زیادی از قضایا اعم از دوسیه های جزایی و حقوقی در موعد معین مورد رسیدگی قرار نمی گیرند و به همین دلیل تعداد زیادی از متهمین و یا محکومین توسط محاکم اولیه، ماهها و سالها بدون مشخص بودن وضعیت و یا بدون تعیین سرنوشت از حقوق و آزادی های شان محروم می گردند.

یافته های کمیسیون نشان میدهد آمارهای عدم فیصله به موقع محاکم در قضایای حقوقی و مدنی بسیار بالا و نگران کننده است. تا جایی که بسیاری مردم امیدی به حل قطعی قضایای حقوقی شان توسط محاکم در موعد مناسب و معقول را از دست داده اند و به همین دلیل به سیستم های غیر رسمی برای حل و فصل قضایای حقوقی شان پناه می برند.<sup>19</sup>

در قضایای جزایی گرچند از این لحاظ وضعیت بهتر است و اکثر قضایای جزایی در موقع مناسب فیصله می گردد؛ ولی با آنهم وضعیت موجود، وضعیت مناسبی نمی باشد. زیرا با آنکه قضایای جزایی در محاکم ابتدایی تا حدود زیادی در موقع مناسب فیصله می گردد؛ ولی تعدادی زیادی از این دوسیه ها در مراحل استیناف و تمیز در بلا تکلیفی به سر برده و در موقع مناسب وضعیت شان روشن نمی گردد تا جای که محاکم ابتدایی نیز از این وضعیت در مراحل استیناف و تمیز شاکمی می باشند.

---

<sup>19</sup> - حل و فصل قضایا بویژه موضوعات جزایی در سیستم های غیر رسمی همواره ممکن است به حق کشی ها و نقض قانون و نقض حقوق بشری افراد و به گونه ی خاص نقض حقوق زنان و اطفال منجر گردد.

تعدادی از قضات محاکم در ولایات به کند بودن جریان حل قضایا در محاکم استیناف و تمیز اذعان داشته می گویند حتی اگر آنها کار خود را در موعد مقرر انجام دهند در مراحل بعدی سالها ممکن است طول بکشد تا یک پرونده نهایی گردد و سرنوشت آن مشخص گردد.

یافته های نظارتی و بررسی های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد، تاخیر در تعیین سرنوشت سلب آزادی شده ها در محبس پلچرخی که دوسیه های نسبتی شان بیشتر در محاکم ابتدایی حوزه های چهارگانه شهری (کابل)، محکمه استیناف ولایت کابل و ستره محکمه می باشد، یک رقم بسیار قابل توجه از متهمین بی سرنوشت را تشکیل می دهد.

مشکل دیگر در این زمینه آن است که گاهی مدت محکوم بها به حبس که از جانب محاکم استیناف تعیین گردیده، تکمیل می گردد؛ اما دوسیه در ستره محکمه نهایی نگردیده و متهم به صورت بی سرنوشت و غیر قانونی در محلات سلب آزادی بسر می برد. همچنان تعداد زیادی از متهمین بدون سرنوشت که منتظر طی مراحل و نهایی شدن دوسیه های شان در ستره محکمه می باشند، واجد شرایط برخورداری از مزایای عفو و تخفیف مجازات فرامین ریاست جمهوری می باشند؛ ولی بنابر قطعیت حاصل نکردن فیصله های شان در محلات سلب آزادی بسر می برند.

یافته های کمیسیون نشان داده است که تعداد متهمین زن که قضایای شان در ستره محکمه در موعد مقرر رسیدگی نمی شود به تناسب مردان بیشتر می باشد؛ زیرا بیشتری از زن ها که به جرایم اخلاقی در سلب آزادی می باشند از نظر خانواده های شان افتاده اند و کسی از اعضای خانواده های شان حاضر نمی شود، برای تسریع روند رسیدگی دوسیه نسبتی متهم آن را پیگیری نماید.

این نگرانی زمانی شدت می یابد که در موضوعات جزایی تا تعیین نهایی سرنوشت دوسیه ها متهمین و محکومین غالباً در توقیف خانه و محابس زندانی بوده و عملاً بدون سرنوشت و احیاناً بیگناه سالها از حقوق و آزادی شان محروم می گردند. بنا بر این حتی اگر هم آمارهای حل نشدن قضایا جزایی در موعد مقرر نسبت به آمارهای دوسیه های حقوقی کمتر باشد. چون اجراءات قضایای جزایی با حق آزادی مردم بیشتر ارتباط دارد موضوعی نیست که بتوان از کنار آن به سادگی گذشت. ضروری است که ریشه های این مشکلات، علل و عوامل شکل گیری و دوام آن شناسایی گردد و راه حل های مناسب برای آن جستجو گردد.

دلایل مختلف برای ملتوی ماندن رسیدگی به قضایا و تراکم دوسیه در محاکم و عدم در رسیدگی قضایا در موعد مقرر قانونی وجود دارد. برخی از علل و دلایل مهم آن عبارتند از:

## **2.8 کمبود پرسنل قضایی و اداری**

همانگونه که در بخش آغازین این گزارش ذکر شد، یکی از مشکلات موجود در عرصه قضا کمبود و یا حتی نبود کادرهای قضایی و اداری لازم در محاکم می باشد. در تعدادی از ولسوالی ها اصلاً محاکم وجود ندارد. با آنکه

در اصل هم تشکیل محاکم کافی و روزآمد نمی باشد و نمی تواند جوابگوی نیازمندی های مردم باشند با آنهم در اکثر ولایات تشکیلات محاکم با کاستیها و کمبودی های زیادی مواجه می باشد.

تقریباً هیچ ولایتی را نمیتوان پیدا کرد که تمامی کارمندان قضایی و اداری آن در مرکز ولسوالی ها تکمیل باشند. این درحالی است که حتی اگر تمامی تشکیل هم فعال باشد، باز هم مشکلاتی وجود دارد. به گونه مثال با آنکه شاید در مرکز ولایت کابل تمامی افراد اداری و مسلکی که در تشکیل منظور شده در محاکم استخدام شده و حتی برخی افراد و اشخاص که برای جاهای دیگر مقرر شده موقتاً به دلایل مختلف به صورت خدمتی در محاکم کابل مشغول کار هستند با آنهم به دلیل تراکم بیش از حد دوسیه ها، عملاً قضایا در محاکم کابل بویژه در مرحله استیناف و تمیز در موعد مقرر و قانونی حل و فصل نمی گردد.

## 2.9 غیابت قضات

عدم حضور تمام وقت و منظم کدر محاکم به ویژه قضات در محاکم یکی دیگر از عوامل تراکم کارها، ملتوی ماندن دوسیه ها و در نتیجه عدم رسیدگی به قضایا نظر به میعاد زمانی آن، سرگردانی طرفین قضایا، بی سرنوشتی متهمین و محکومین، افزایش بی اعتمادی به سیستم عدالت رسمی و بی باوری به زحمات و اقدامات دستگاه قضایی کشور گردیده است.

چنانچه در بخش های قبلی این گزارش ذکر گردید، یافته های کمیسیون نشان میدهد که در برخی ولایات به ویژه در ولسوالی ها قضات محترم در بعضی از روزهای هفته در اداره حضور ندارند و در روزهای هم که حضور دارند این حضور تمام وقت و کامل نیست. این وضعیت از جمله عوامل ملتوی ماندن دوسیه ها و عدم رسیدگی به قضایا در موعد قانونی نیز می باشد.

عدم حضور قضات بالای وظایف شان موجب سکتگی در امور اجراءات شان و همچنان باعث ضیاع وقت اشخاص که به محاکم مراجعه میکنند و مصرف بیش از حد پول آنها به ویژه اشخاص که از راههای دور به محکمه می آیند، میشود. در این مورد یکی از باشندگان ولسوالی بلخاب چنین می گوید:

«غیرحاضری قضات در ولسوالی و مرکز ولایت موجب ضایع شدن وقت مراجعین، کندی در کار محاکم و تحمیل هزینه های زیاد بر مراجعین میشود که بعضی اوقات طرفین دعوا از ناگزیری به محاسن سفیدان و شوراهای قومی و جرگه ها رو آورده به فیصله های بین قومی و محاسن سفیدان تن میدهند».

## 2.10 عدم حضور طرفین دعوا

یکی دیگر از دلایل عدم انجام به موقع قضایا در محاکم عدم حضور یک و یا دوطرف دعوا می باشد دوسیه های زیادی وجود دارد که به همین دلیل بدون تعیین سرنوشت در محاکم باقی مانده است. با توجه به اینکه مراجع جلب کننده توانایی و اشراف کافی در جلب طرفهای قضیه و مظنونین و متهمین را ندارند تعدادی از این افراد عملاً

درجلسات محکمه حاضر نمی شود و به راحتی از کشور خارج می گردند و سرنوشت یک دوسیه ممکن است بدین دلیل سالها به درازا بکشد.

## 2.11 کندی در جریان رسیدگی به قضایا

با وجود دلایل قبلی و ناگزیری از برخی از آنها، مشکل اساسی تر وجدی تر وریشه ای تر برمی گردد به خود محاکم. با آنکه تعداد زیادی از پرسنل مسلکی و اداری محاکم با دلسوزی و علاقه مندی وظایف خود را انجام میدهند، اما فقدان انضباط کاری کافی و دقیق در محاکم، وجود فساد اداری و فرهنگ بی باز خواستی و خویش خوری چالشهای جدی در برابر سلامت سیستم قضایی و باور مندی مردم به کارکرد محاکم می باشند

با وجود آنکه تلاشهای زیادی برای اصلاح سیستم قضایی در افغانستان انجام گرفته و سطح آگاهی قضات نسبتاً بالا رفته است؛ ولی به دلیل ریشه دار بودن فساد اداری در افغانستان و عدم آگاهی مردم از حقوق شان زمینه های مناسبی برای تداوم و گسترش رشوت خوری و سوء استفاده از مقام و موقعیت وجود دارد. متأسفانه برنامه های اصلاحی تاکنون نتوانسته است این معضل را ریشه کن نماید.

یافته های که کمیسیون از مصاحبه با برخی نهاد های مدنی و مطبوعات بدست آورده، نشان میدهد که بیشترین انتقادهای که این نهادها از کارکرد محاکم دارند در ارتباط به وجود فساد اداری و معضلات ناشی از آن می باشد. با آنکه در مصاحبه های که کمیسیون با قضات محاکم و یا روسای محاکم داشته آنها کمتر به این معضل اذعان نموده اند؛ اما میزان نارضایتی مردم از عملکرد محاکم و عدم اعتماد کامل آنها به اجرای عدالت توسط محاکم و یا بی باوری آنها به حل و فصل به موقع و عادلانه قضایای شان در محاکم، نشان دهنده مشکلات جدی در این زمینه می باشد.<sup>20</sup>

## 2.12 دسترسی و برخورداری از وکیل مدافع و مساعدت های حقوقی

یکی از شاخصه مهم در بررسی وضعیت عملکرد محاکم میزان دسترسی و برخورداری مراجعه کنندگان به ویژه متهمین به وکیل مدافع و بها دادن به نقش و سهم وکیل مدافع در فرایند محکمه می باشد. حق داشتن وکیل مدافع، آگاهی داشتن متهم از این حق، استخدام وکیل مدافع از بودجه دولت برای متهم بی بضاعت، محرمانه مکالمات، مراسلات و مکاتبات بین متهم و وکیل مدافع وی و دسترسی وکیل مدافع به دوسیه و فراهم بودن شرایط، زمینه و فرصت کافی برای دفاع تضمین های اساسی است که در ماده سی و یکم قانون اساسی<sup>21</sup>، ماده یازدهم قانون

---

<sup>20</sup>- برای اطلاع بیشتر از انعکاس کار قضات در میان مردم و میزان رضایت مردم از عملکرد محاکم نگاه کنید به بخش بعدی این گزارش  
<sup>21</sup>- ماده سی و یکم قانون اساسی- " هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند.

متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد. دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید. محرمانه مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون می باشد. "

تشکیلات محاکم،<sup>22</sup> ماده بیست و دوم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال،<sup>23</sup> و مواد (5، 18، 19 و 38) قانون اجراءات جزایی موقت برای محاکم،<sup>24</sup> و دیگر قوانین مربوطه به صراحت پیش بینی گردیده است.

هم چنان در فقره (3) ماده 14 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>25</sup> نیز حق داشتن وکیل مدافع برای متهم و تعیین وکیل از مصارف دولت به متهم بی بضاعت تضمین گردیده است. به همین دلیل یکی از معیارها برای محاکمه عادلانه دسترسی شهروندان به وکلای مدافع و مساعدین حقوقی است. زیرا یک سیستم موثر و عادلانه قضایی دوهدف اساسی را دنبال می کند. نخست تامین عدالت و مقابله با قانون شکنی و مجازات ناقضان قانون، دوم رعایت حقوق مظنون و متهم و حمایت از حقوق آنان.

به همان میزان که حراست و حفاظت از حقوق مردم و جامعه به تامین امنیت و مبارزه و مقابله با ناقضین قانون و مجازات آنان نیاز دارد، حمایت و دفاع از حقوق و آزادی های فردی نیز نیازمند رعایت حقوق مظنون و متهم و در نظر داشت راه ها و روش های لازم برای تضمین این حق می باشد.

به صورت کلی دریک فرایند قضایی سه ضلع وجود دارد که عبارت است از: متهم، مدعی یا مدعی العموم و قاضی. نخستین شرط یک محاکمه عادلانه برابری سلاحها (قوا) دربین این سه ضلع می باشد. برابری سلاحها به این معناست که هر سه ضلع یک محاکمه از اختیار، آزادی و ابزارهای لازم برای دفاع از حق خود و مقابله و مجادله با دلایل، اسناد، ادعاها و ابزارهای طرف های مقابل برخوردار باشند.

دراین میان شخص قربانی و یا متهم به دلیل نا آشنایی با قوانین و پیچ وخم های آن از آغاز تا انجام یک موضوع جزایی نمی تواند به درستی و دقت از خود و حق خود دفاع نمایند. این موضوع نسبت به متهمین و مظنونین از اهمیت خاص برخوردار است این اشخاص بویژه اگر زمان، فرصت، اجازه و یا توانایی کافی را هم برای دفاع از خود نداشته باشند، طبیعی است در مقابل حارنوالی که برای پیشبرد و به کرسی نشاندن ادعای خود توانایی مسلکی و تجربه لازم را دارد، عملاً خلع سلاح می گردد و این نابرابری سلاح ها ممکن است موجب صدور احکام غیر عادلانه گردد.

---

<sup>22</sup> ماده یازدهم قانون تشکیلات محاکم- " هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کند.

در قضایای جنایی برای اشخاص بی بضاعت طبق سند تقنینی مربوط وکیل مدافع تعیین می شود."<sup>23</sup> ماده بیست و دوم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال- (1) طفل در تمام مراحل تحقیق و محاکمه حق داشتن وکیل مدافع و مطالبه ترجمان را دارد. در صورت عدم توانایی مالی والدین و یا ممثل قانونی طفل مبنی بر استخدام وکیل مدافع یا ترجمان، محکمه اختصاصی اطفال وکیل مدافع یا ترجمان را به مصرف دولت برای طفل موظف می نماید.

<sup>24</sup> ماده قانون اجراءات جزایی موقت -

<sup>25</sup> فقره (3) ماده 14 کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی - هر شخص حق دارد در جریان تثبیت هر نوع اتهام علیه وی از تضمین های حداقل ذیل با تساوی کامل برخوردار گردد: - در حضور داشت خودش محاکمه شود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود. و در مواردی که مصالح محکمه اقتضا نماید از طرف محکمه راساً برای او وکیلی تعیین شود و هر گاه در این صورت متهم از پرداخت حق الوکاله عاجز باشد مصارف آن به دوش محکمه می باشد.

این مشکل و کمبود در ارتباط به وکلای مدافع زن شدید تر است؛ زیرا از یک سو، بسیاری از زنان به دلایل مختلف قادر به دفاع از خود نبوده و آگاهی و توانایی های لازم را در رابطه به احقاق حقوق شان ندارند و از سوی دیگر نمی توانند به درستی قضایای شان را با وکلای مدافع مرد در میان بگذارند. در نتیجه در نبود و یکمبود وکلای مدافع و مساعدین حقوقی زن، بسیاری از زنان از حق دسترسی و یا برخورداری از وکلای مدافع محروم می مانند.

به عنوان مثال یکی از مسوولین ولایت پروان می گوید، علاوه بر این که در مجموع در این ولایت ما با کمبود وکیل مدافع و مساعد حقوقی مواجه می باشیم، به طور خاص حد اقل به دو تن از وکلای مدافع خانم نهایت ضرورت داریم؛ زیرا خانم های که تحت توقیف قرار دارند با اعتماد کامل نمی توانند با وکیل مرد مشکل شان را مطرح نمایند.

به همین دلیل برای تضمین برابری سلاحها (قوا)، تامین عدالت، جلوگیری و مقابله با محاکمه ها و مجازات های غیر عادلانه، وجود و حضور وکیل مدافع و یا مساعد حقوقی در تمامی مراحل یک موضوع قضایی به ویژه موضوعات جزایی بسیار مهم، ضروری و حیاتی می باشد.

میزان دسترسی مظنونین و متهمین به وکلای مدافع و مساعدین حقوقی و حدود و ثغور آزادی و اختیارات آنها یکی از مهمترین شاخص های حاکمیت قانون و معیار اساسی برای بررسی وضعیت محاکم و سیستم قضایی کشور است. دسترسی و برخورداری از وکلای مدافع هم برای احقاق حقوق مراجعه کنندگان به سیستم های قضایی و هم برای دفاع متهمین و مظنونین در مقابل اتهامات وارده یک حق اساسی و هم یک ضرورت مبرم است.

چنانچه در بالا یاد آور شدیم، اصل حق برخورداری از وکلای مدافع و مساعدین حقوقی در قانون اساسی و دیگر قوانین نافذ کشور به رسمیت شناخته شده و بر اساس ماده 31 قانون اساسی و دیگر قوانین نافذ کشور دولت افغانستان به تامین مساعدت حقوقی برای افراد بی بضاعت موظف گردیده است.

سوال اساسی در این باره آنست که در مقام عمل این حق تا چه اندازه مورد توجه قرار گرفته و چه اقداماتی در راستای برخورداری مردم از این حق اتخاذ گردیده است؟ و میزان دسترسی و برخورداری مردم از وکیل مدافع و مساعدت حقوقی در چه حدی است؟

یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در این باره نشان میدهد که اصل دسترسی و برخورداری از وکیل مدافع در قانون اساسی، قانون اجراءات جزایی موقت و سایر قوانین مربوطه به رسمیت شناخته شده و در سالهای اخیر انجمن مستقل وکلای مدافع تشکیل یافته است. از آن زمان تا کنون صدها وکیل مدافع با دریافت مجوز قانونی و کالت از این انجمن در کابل و دیگر ولایت های کشور خدمات حقوقی ارائه می دهند. و بر اساس قانون انجمن وکلای مدافع هر وکیل مدافع موظف است در طول سال سه دوسیه قضایی را به صورت رایگان به پیش برده و مساعدت حقوقی ارائه دهند.

با توجه به اینکه قانون اساسی دولت را به تامین مساعدت های حقوقی برای افراد بی بضاعت موظف ساخته است، دولت افغانستان مکلف است زمینه دسترسی مردم و برخورداران آنان از مساعدت های حقوقی را فراهم سازد. اقدامات و یا پیشرفت های که تاکنون در این زمینه صورت گرفته عبارتند از:

- انتقال تشکیل ریاست مساعدت های حقوقی از ستره محکمه به وزارت عدلیه و ایجاد تشکیل ریاست مساعدت های حقوقی در این وزارت و ادارات مساعدت های حقوقی در ولایت های درجه یک و درجه دوم در سطح کشور؛
- فراهم سازی زمینه فعالیت های موسسات غیر دولتی برای ارائه خدمات مساعدت های حقوقی؛
- تصویب و انفاذ مقرره مساعدت های حقوقی؛ و
- ایجاد بورد مستقل مساعدت های حقوقی.

یکی از اقدامات مهم که در زمینه رعایت حقوق متهم و مظنون و برخورداری آنان از حق محاکمه عادلانه انجام گرفته، تشکیل بورد مستقل مساعدت های حقوقی است. به دنبال تصویب و انفاذ مقرره مساعدت های حقوقی، برای تنظیم، ساماندهی و نظارت بر فعالیت های ها و اقدامات نهادهای دولتی و موسسات غیر دولتی ارائه دهنده مساعدت های حقوقی، تلاشها جهت ایجاد بورد مستقل مساعدت های حقوقی آغاز گردید. بامعرفی رسمی نمایندگان با صلاحیت نهادها و ارگانهای مربوطه بورد مستقل مساعدت های حقوقی رسماً کارش را آغاز نمود. تاسیس و تشکیل این بورد بر مبنای ماده 31 قانون اساسی، ماده سوم قانون وکلای مدافع و ماده 19 مقرره مساعدت های حقوقی صورت گرفته است.

با این وجود، یافته های کمیسیون نشان می دهد که در عمل میزان دسترسی مردم به وکلای مدافع و مساعدين حقوقی در مناطق و ولایات کشور متفاوت می باشد. به گونه ی مثال در حالی که این میزان دسترسی در شهر کابل نسبتاً در سطح بهتری قرار دارد؛ اما در بسیاری ولایت های دیگر در سطح پایین و یا بسیار پایین قرار دارد و حتی در ولایت های مثل ارزگان و دایکندی هیچ وکیل مدافع و مساعد حقوقی وجود ندارد.

تعداد مجموعی وکلای مدافع در افغانستان اندکی بیش از 1000 نفر برآورد شده است و این تعداد اگر بر تعداد محبوسین و متهمین تقسیم گردد، نشان دهنده سطح بسیار پایین دسترسی و برخورداری ایشان از وکلای مدافع است. این مشکل زمانی دو چندان می گردد که بر اساس معلومات، اکثریت قاطع این وکلا در ولایت کابل، البته آن هم در مرکز کابل قرار دارد و در تمامی ولایات حضور ندارند.

افزون بر کابل تنها در سه ولایت هرات، بلخ و ننگرهار آنهم فقط در مرکز این ولایت ها تعداد قابل توجه وکیل مدافع وجود دارد. در سایر ولایت های کشور تعداد وکلای مدافع به شدت کم و یا حتا اصلاً صفر می باشد، به گونه

ی مثال این میزان در ولایت های مثل بدخشان کمتر از بیست نفر، در غور کمتر از ده نفر و در بامیان حدود 4 نفر می باشد؛ اما در ولایت های مثل ارزگان و دایکندی هیچ وکیل مدافع و مساعد حقوقی وجود ندارد.

موضوع بسیار مهم، قابل توجه و نگران کننده تفاوت های فاحش دسترسی به مساعدت های حقوقی است که میان مراکز ولایات با ولسوالی ها وجود دارد. در حالی که میزان دسترسی مردم به وکلای مدافع و مساعدت حقوقی در مراکز ولایات در مجموع در سطح پایین قرار دارد و آمار ها نشان دهنده میزان پایینی از دسترسی و برخورداری مردم به وکلای مدافع و مساعدین حقوقی می باشد. این وضعیت در ولسوالی های ولایات بویژه ولایت های دور دست و توجه ناشده بسیار خراب تر است.

به استثنای تعداد اندکی از ولسوالی ها، تقریباً در بیشتر ولسوالی های ولایات افغانستان نه وکیل مدافع وجود دارد و نه مساعدین حقوقی. اداره مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه افغانستان که نهاد دولتی موظف به تامین مساعدت های حقوقی به افراد بی بضاعت و نیازمند به مساعدت حقوقی می باشد، حتا در مراکز تعدادی از ولایت ها، بویژه در تعدادی از ولایات های درجه دو به صورت کامل فعال نیست و در ولایت های درجه سه اصلاً فعال نیست و حتا در مراکز این گونه ولایت ها نمی تواند به افراد بی بضاعت مساعدت حقوقی ارائه دهد، چه برسد به ارائه مساعدت حقوقی در ولسوالی ها.

در افغانستان تعدادی از موسسات و سازمانها و نهادهای غیر دولتی (انجوها) ارائه دهنده خدمات و مساعدت های حقوقی نیز وجود دارد. برخی از این نهاد ها با استخدام تعدادی وکلای مدافع توانسته اند خدماتی در زمینه مساعدت های حقوقی ارائه دهند؛ اما مشکل اساسی آنست که این موسسات علاوه بر مرکز کابل تنها در برخی از ولایت ها مثل بلخ، هرات و ننگرهار و دو سه ولایت دیگر آنهم بیشتر در مرکز این ولایات فعالیت های خود را دنبال می کنند. بنا بر این در بسیاری از دیگر ولایات بویژه ولایت های که به دلیل نبود اداره مساعدت حقوقی وزارت عدلیه وکلای مدافع مستقل این گونه خدمات در آنها کمتر است. موسسات خصوصی و انجوها نیز فعال نمی باشند.

در نتیجه علاوه بر محرومیت مراکز این ولایات از خدمات مساعدت حقوقی تقریباً تمامی ولسوالی ها به استثنای چند ولسوالی محدود (عمدتاً در ولایت کابل) بقیه از هرگونه مساعدت حقوقی محروم می باشند و تنها تعداد افراد سرشناس و پولدار این مناطق با مراجعه به مرکز ولایت و یا ولایت های همجوار و یا شهر کابل، می توانند برای پیشبرد دعوی شان وکیل مدافع استخدام کنند.

در این موسسات جمعاً در حدود 200 وکیل مدافع وجود دارد که به هیچ وجه جوابگوی نیازمندی ها نمی باشد. به گونه مثال یکی از این موسسات تنها با داشتن کمتر از 30 وکیل مدافع در پنج سال گذشته حدود 13000 سیزده هزار قضیه را تحت پوشش خدمات مساعدت حقوقی قرار داده است.

به طور مثال بر اساس آمار ارائه شده توسط یکی از مسولین موسسه "دقانون غوبتونکی" که یکی از موسسات غیر دولتی ارائه دهنده مساعدت حقوقی می باشد، این موسسه در پنج سال گذشته، مجموعاً «11591» قضیه جزائی

و «1500» قضیه فامیلی را اخذ و پی گیری نموده است که از جمله قضایایی جزایی به تعداد «7678» رهایی، به تعداد «980» محکوم و به تعداد «2933» قضیه در جریان است و از جمله قضایای فامیلی به تعداد «1118» قضیه حل و فصل شده و به تعداد «382» قضیه در جریان قرار داد.

اینگونه آمارها از یک سونشان دهنده میزان بسیار بالای افراد مستحق مساعدت حقوقی می باشد و از سوی دیگر نشان دهنده مشکلات کمی و کیفی خدمات نهادها و موسسات غیر دولتی ارائه دهنده مساعدت های حقوقی است. در نتیجه تعداد زیادی از قضایا بویژه قضایای جزایی بدون وکیل مدافع و یا مساعد حقوقی فیصله می گردد. این موضوع عادلانه بودن روند تحقیق و محاکمه را با چالش های جدی مواجه ساخته و اعتماد عمومی به نهادهای عدلی و قضایی را خدشه دار ساخته است.

### علل و دلایل

دلایل متعددی برای عدم دسترسی کافی مردم به وکلای مدافع و مساعدین حقوقی و یا عدم برخورداری مردم از این خدمات وجود دارد. شناسایی این عوامل از یک سو می تواند نشان دهنده کمیت و کیفیت برخورداری مردم از این حق باشد و از سوی دیگر به ایجاد راهها و روشهای فایز آمدن بر این معضلات به نهادهای متولی این موضوع کمک کنند:

### نبود و یا کمبود وکلای مدافع و مساعدین حقوقی

نبود و یا کمبود وکلای مدافع و مساعدین حقوقی در ولایات دلیل عمده اصلی عدم دسترسی مردم به این خدمات می باشد. بر اساس ارزیابی کمیسیون مستقل حقوق بشر تقریباً در تمامی ولایات مشکل کمبود وکلای مدافع و مساعدین حقوقی وجود دارد. در برخی از ولایات مثل دایکندی و ارزگان اصلاً وکیل مدافع و مساعد حقوقی وجود ندارد. علاوه بر مرکز دیگر ولایات های کشور در ولسوالی ها این مشکل دو چندان می باشد. زیرا در بیش از هشتاد درصد ولسوالی ها وکیل مدافع و مساعد حقوقی اصلاً وجود ندارد.

تشکیل اداره مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه افغانستان که نهاد دولتی موظف به تامین مساعدت های حقوقی به افراد بی بضاعت و نیازمند به مساعدت حقوقی می باشد، به قدر لازم توسعه نیافته و از این بابت مشکلات زیادی برای دسترسی مردم به مساعدین حقوقی وجود دارد.

اداره مساعدت حقوقی این وزارت تنها در 17 ولایت افغانستان تشکیل منظور شده دارد که آن هم بر اساس همین تشکیل ناقص بازم به صورت کامل عملاً فعال نشده است. تشکیل اداره مساعدت های حقوقی این وزارت تنها در ولایات به اصطلاح درجه یک و درجه دو یعنی: کابل، هرات، فراه، هلمند، قندهار، غزنی، پکتیا، ننگرهار، کاپیسا، پروان، بغلان، قندوز، تخار، بدخشان، بلخ، جوزجان و فاریاب تشکیل منظور شده دارد. و در ولایات های درجه سه اصلاً تشکیل اداره مساعدت حقوقی منظور نشده است. اینگونه ولایات علاوه بر دیگر محرومیت ها از دسترسی به خدمات مساعدت حقوقی توسط دولت نیز محروم می باشند.

علاوه بر این حتی در ولایات که تشکیل منظور شده وجود دارد این تشکیل ناکافی می باشد و ضرورت میرم به توسعه آن وجود دارد. به طور متوسط در ولایات درجه اول و درجه 2 نیز تنها 3 نفر مساعد حقوقی در تشکیل وزارت عدلیه منظور شده است که به هیچ وجه تکافوی نیازمندی های یک ولایت را ندارد. این معضل زمانی دوچندان می گردد که حتی همین تشکیل منظور شده نیز به صورت کامل در این گونه ولایات فعال نگردیده است.

به گونه ی مثال در تشکیل منظور شده برای مساعدين حقوقی در ولایت کابل 1 نفر، فراه 2 نفر، پکتیا 3 نفر، ننگرهار 1 نفر، پروان 1 نفر، تخار 1 نفر و بدخشان 1 نفر کمبود وجود دارد و حتا در ولایت هلمند تشکیل منظور شده اصلا فعال نگردیده است.<sup>26</sup>

بنا بر این می توان دریافت که اداره مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه با ظرفیت فعلی آن حتا در مراکز این گونه ولایت ها هم نمی تواند به افراد بی بضاعت مساعدت حقوقی ارائه دهد چه برسد به ارائه مساعدت حقوقی در ولسوالی ها.

### **عدم استطاعت مالی**

نداشتن استطاعت مالی، علت عمده دیگر عدم برخورداری مردم از وکیل مدافع می باشد. به دلیل فقر فراگیر در بسیاری از مناطق افغانستان تعداد زیاد از مردم توانایی پرداخت هزینه وکیل مدافع را ندارد و حتا به فرض وجود وکلای مدافع باز هم تعداد زیادی از مردم نمی توانند از عهده هزینه استخدام وکیل مدافع برآیند.

این امر ضرورت دسترسی مردم به خدمات مساعدت های حقوقی را دوچندان می سازد؛ اما متأسفانه اداره مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه در تمامی ولایت ها فعال نیست و به علت نبود تشکیل و یا کمبود آن تعداد زیادی از مراکز ولایات و ولسوالی ها به مساعدت حقوقی دسترسی ندارند و موسسات غیر دولتی ارائه دهنده مساعدت های حقوقی نیز که با دریافت معاش از دفاتر مربوط شان دعوا های موکلان خویش را بصورت مجانی به پیش می برند، به قدر کافی در ولایات و ولسوالی ها حضور ندارند.

### **عدم اطمینان**

دلیل دیگر برای عدم برخورداری مردم از خدمات وکلای مدافع و یا مساعد حقوقی بی اعتمادی آنان نسبت به ارائه صادقانه این گونه خدمات می باشد. یافته های کمیسیون نشان میدهد یکی از عوامل عدم استفاده مردم از وکیل مدافع از بی باوری و بی اعتمادی آنها نسبت به این گونه خدمات ناشی می شود. به زعم آنها نمی شود به یک وکیل مدافع که هیچ گونه آشنایی و نسبتی با موکل ندارد، اعتماد کرد.

به گونه ی مثال مسئول اتحادیه ژورنالیستان ولایت جوزجان می گوید: " یکی از همسایه های ما که شخص نسبتاً ثروتمند است، پسرش حادثه ترافیکی نمود. حارنوال صورت دعوی را ترتیب داده بود که فرزند وی یکسال

---

<sup>26</sup> - آمار تشکیل اداره مساعدت حقوقی وزارت عدلیه بر اساس گفته رییس ریاست مساعدت حقوقی وزارت عدلیه تنظیم شده است.

زندانی می‌شد. به وی گفتم در مرکز ولایت، نمایندگی انجمن وکلای مدافع وجود دارد. برای این موضوع وکیل مدافع انتخاب کن. وی به من گفت که چگونه بالای کسی که نمی‌شناسم اعتماد کنم؟ او وقتی در برابر این کارش پول می‌گیرد، شاید از طرف مقابل من پول بیشتری بگیرد و دعوا را به نفع او ختم کند.

این امر نشان دهنده پایین بودن سطح آگاهی عامه از جایگاه، نقش و وظایف وکلای مدافع و مساعدین حقوقی و در نتیجه بی‌باوری و بی‌اعتمادی به این گونه خدمات می‌باشد. با آنکه ممکن است عده‌ی از اشخاصی که به حیث وکیل مدافع کار می‌نمایند بدون در نظر داشت صداقت مسلکی تن به چنین معامله‌های بدهند و یا برخی از وکلای مدافع برای حل قضیه تحت کارشان و جلب توجه مسوولین عدلی و قضایی مرتکب پرداخت رشوت گردند. اما نمی‌توان از نقش بی‌بدیل وکلای مدافع در تأمین عدالت قضایی چشم‌پوشی کرد.

عدم اطمینان مردم به خدمات وکلای مدافع و مساعدین حقوقی بیشتر از بی‌خبری و بی‌اطلاعی آنان از نقش و جایگاه خدمات وکالت دفاع و مساعدت‌های حقوقی ناشی می‌شود.

### **عدم آگاهی**

در کنار دلایل قبلی برای عدم دسترسی و یا عدم استفاده از وکلای مدافع یک عامل مهم دیگر بی‌خبری مردم از وجود و ضرورت وکلای مدافع و عدم آگاهی مردم از جایگاه و نقش وکلای مدافع می‌باشد. به دلیل سطح پایین سواد مردم و نبود پروگرام‌های آگاهی عامه درباره اهمیت، ضرورت و کارکرد‌های وکلای مدافع بسیاری از مردم به ویژه در مناطق دور دست و ولسوالی‌ها نسبت به اهمیت و کارکرد وکلای مدافع اطلاعات لازم ندارند و حتا عده‌ی از مردم شغل وکالت دفاع را به نسبت دفاع از مجرمین یک شغل نامناسب می‌پندارند.

آگاهی دهی از حق داشتن وکیل مدافع چنانکه در ابتدای بحث نیز گفته شد یکی از مسوولیت‌های قانونی مسوولین کشف، تحقیق و محکمه می‌باشد تا به مظنون و یا متهم از حق داشتن وکیل مدافع و تعیین وکیل مدافع یا مساعد حقوقی همکاری نمایند.

این امر ضرورت افزایش و گسترش خدمات حقوقی را در سراسر کشور از طریق افزایش و توسعه وکلای مدافع مستقل، موسسات ارائه دهنده خدمات حقوقی و به ویژه در زمینه مساعدت حقوقی برای افراد بی‌بضاعت و فعال شدن اداره مساعدت‌های حقوقی وزارت عدلیه بیش از پیش آشکار ساخته و علاوه بر آن نشان می‌دهد که راه اندازی پروگرام‌های آگاهی عامه برای آشنایی مردم با این گونه خدمات با استفاده از روش‌های متعدد و مختلف بسیار مهم و ضروری می‌باشد.

### **نهادینه نشدن نقش وکلای مدافع و مساعدین حقوقی**

موضوع اساسی دیگر اطمینان از فراهم بودن زمینه و فرصت کافی حضور و دفاع برای وکلای مدافع و مساعدین حقوقی می‌باشد. حتا به فرض وجود تعداد کافی وکلای مدافع و مساعدین حقوقی و دسترسی مردم به آنها

در صورتی که زمینه حضور و نقش آفرینی آنان در فرایند عدلی و قضایی به رسمیت شناخته نشود و یا مراعات نگردد، نمی توان به اجرای عدالت و تطبیق قانون امیدوار بود.

خوشبختانه در قوانین جدید افغانستان از جمله قانون اساسی، قانون اجراءات جزایی موقت و قانون انجمن مستقل وکلای مدافع اصل حق دسترسی به وکلای مدافع و نقش اساسی آنها و لزوم ایجاد زمینه و فرصت کافی برای دفاع به خوبی به رسمیت شناخته شده است و می توان گفت مشکل چندانی ازین لحاظ وجود ندارد؛ ولی مشکل اساسی که در این زمینه وجود دارد بر می گردد به بی باوری و یا بی اعتنائی مراجع قضایی به دفاعیه های وکلای مدافع و مساعدین حقوقی.

با توجه به نوپایی، توسعه نیافتگی و نهادینه نشدن سهم و نقش وکیل مدافع در فرایند موضوعات قضایی در افغانستان، یافته ها و بررسی های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان میدهد که مساعدین حقوقی و یا وکلای مدافع عملا سهم و نقش شایسته را در دفاع از موکلان خود و حل و فصل عادلانه و منصفانه قضایی جزایی و مدنی آن ها نمی توانند ایفا نمایند؛ زیرا یا مردم به این خدمات دسترسی نداشته یا توانایی مالی مردم ضعیف است و یا با آنکه در مناطق که دسترسی به وکلای مدافع و مساعدین حقوقی وجود دارد و مردم هم تا حدودی به آنها دسترسی دارند، به دفاعیه های آن ها از سوی مراجع قضایی توجه لازم صورت نگرفته و ترتیب اثر داده نمی شود.

دربسیاری از ولایت ها وکلای مدافع و مساعدین حقوقی ابراز میدارند، با آنکه بر اساس ماده چهل و دوم قانون اجراءات جزایی موقت و رقه ابلاغیه ی که در آن تاریخ و روز محاکمه مشخص می گردد، حد اقل پنج روز قبل باید به متهم و وکیل مدافع او اطلاع داده شود؛ ولی از زمان برگزاری جلسات قضایی در موعد مناسب به آنها اطلاع داده نمی شود و زمانی آنها از برگزاری جلسات قضایی باخبر می شوند که یا اصلا نمی توانند به جلسه قضایی برسند و یا عملا فرصت کافی برای دفاع باقی نمی ماند.

مشکل دیگر در این باره برمی گردد به عدم همکاری مراجع تعقیب و تحقیق با وکلای مدافع. در موارد زیادی همکاری لازم با وکلای مدافع و مساعدین حقوقی برای دسترسی آنها به دوسیه و مظنونین و حضور در جلسات تحقیق وجود ندارد. این مشکل در ادارات مربوط به امنیت ملی بسیار جدی است.

بر اساس فقرات هفتم و هشتم ماده پنجم قانون اجراءات جزایی موقت؛ پولیس، حارنوال و محکمه مکلف اند معلومات واضح را در وقت گرفتاری و قبل از استتطاق راجع به حق سکوت، حق تعیین وکیل مدافع در تمام مراحل، حق حضور (مظنون یا متهم و یا وکیل مدافع آنها) در هنگام تفتیش، مقررات شناسایی مجرمین از طریق صف کشیدن، معاینات توسط اهل خبره و محاکمه برای متهم و مظنون ( و وکیل مدافع آنها) ارائه نماید.

بر اساس فقره های یکم و دوم ماده سی و هشتم قانون اجراءات جزایی موقت؛ پولیس، حارنوال و محکمه مکلف اند غرض حضور مظنون و وکیل مدافع در تمام مراحل، تحقیق در صورت تفتیش، مقابله شهود، طرز العمل شناسایی مجرمین از طریق صف کشیدن، معاینات توسط اهل خبره ایشان را مطلع سازد.

در ماده چهارم همین قانون نیز آمده است: مامور ضبط قضایی و حارنوال ابتداییه در جریان تحقیق مکلف اند، مظنون وکیل مدافع و مجنی علیه را از فعالیت های که انجام می دهند آگاه نموده و آنها حق دارند که حاضر باشند. هم چنان در ماده چهل و سوم این قانون بر حق دسترسی متهم و وکیل مدافع به اسناد شامل دوسیه تصریح شده است.

با توجه به اظهارات تعدادی از وکلای مدافع و مساعدین حقوقی یک مشکل بنیادی دیگر در این زمینه، عدم توجه کافی قضات به لایحه دفاعیه آنهاست برخی ازین افراد ابراز می دارند با وجود آنکه در جلسات قضایی شکلیات رعایت می گردد و این افراد از متهمین دفاع می کنند؛ ولی به این دفاعیه ها توجه لازم صورت نمی گیرد و قضای با توجه به صورت دعوا سارنوال ویا یافته های خود قضایا را فیصله می کند و به دفاعیه های ارائه شده در محکمه به صورت لازم و کافی توجه نمی کنند.

یافته های کمیسیون در خلال انجام مصاحبه ها با وکلای مدافع، مردم و بررسی قضایای متهمین در مراجع عدلی و قضایی نشان می دهد که، اگر متهم یا وکیل مدافع وی نتواند هیچ نوع ارتباطی را با قضای تامین نماید، در چنین حالت های بدون بررسی منصفانه اوراق دوسیه، بیش تر به آنچه از جانب حارنوال مطالبه گردیده است، حکم صورت می گیرد و به دفاعیه و اعتراض متهم یا وکیل مدافع وی به صورت لازم ترتیب اثر داده نمی شود.

ناظرین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از دفتر ساحوی کندهار نیز گزارش داده اند که برخی از قضات زحمت مطالعه دوسیه را بخود نداده و بدون ملاحظه اسناد و شواهد جرمی و یا توجه لازم به دفاعیه متهم یا وکیل مدافع بر حسب درخواست حارنوال متهم را محکوم به مجازات می نمایند.

طبیعی است در صورتیکه وکلای مدافع و مساعدین حقوقی در دفاع از حقوق متهم می توانند نقش مثبت و موثر ایفاء کنند که در جریان چگونگی تحقیق از مظنون و متهم حضور داشته و به ادله، مدارک و مستندات مدعی و شاکی نیز دسترسی داشته باشند و علاوه بر آن زمینه و فرصت کافی برای تهیه و آماده سازی دفاعیه و هم چنین مقابله با شهود و پرسش از آنها فراهم گردد. با تمام این شرایط تنها زمانی می توان از اجرای عدالت و تساوی قوا در محکمه سخن گفت که قضات به دفاعیه های متهمین ویا وکلای مدافع آنها اهمیت لازم را داده و به همان میزان که به صورت دعوا و دلایل مدعی اهمیت میدهند به صورت دفاعیه و دلایل وکیل مدافع نیز اهمیت دهند.

در نتیجه می توان گفت که یافته های نظارتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می دهد با وجود پیشرفت های حاصله در زمینه رعایت نسبی موازین محاکمه عادلانه، موازین و معیار های محاکمه عادلانه به صورت درست و کامل از سوی قضات رعایت نمی گردد.

عدم رعایت کامل این معیارها به عوامل چون نبود یا عدم دسترسی لازم به وکیل مدافع، تراکم دوسیه ها و کمبود قضات، پایین بودن سطح آگاهی قضات و کمبود قضات مسلکی، ضعف حاکمیت قانون، تهدیدات امنیتی، غیابت قضات، عدم مسوولیت پذیری لازم از جانب قضات، عدم اعتقاد و باور عده ای از قضات به برخی از معیارهای محاکمه ی عادلانه، کمبود امکانات و تسهیلات لازم به منظور تثبیت حالت، کیفیت و چگونگی یک عمل جرمی، و تشخیص مجرمین، خلاء قانونی در بعضی موارد و نبود نظارت بر عملکرد قضات بستگی داشته که باعث می شود، معیارهای محاکمه عادلانه طوری که لازم است، رعایت نگردد.

### **2.13 عدم تطبیق کامل و به موقع فیصله های محاکم**

تمامی مشکلات تنها در نحوه فیصله واحکام محاکم خلاصه نمی گردد. یک چالش دیگر در زمینه اجرای عدالت توسط محاکم، عدم هماهنگی لازم بین مراجع کشفی، عدلی و قضایی و هم چنان عدم تطبیق قرارها و فیصله های محاکم توسط ارگانها و نهاد های تطبیق کننده و مجریان قانون است.

چنانچه قبلا اشاره شد با وجود طولانی شدن قضایا در محاکم، زمانی که محکمه فیصله های خود را صادر می کند. وظیفه اجرای عدالت به عهده نهاد های تطبیق کننده ی فیصله های محاکم است. بی اعتنایی و بی توجهی نهادهای تطبیق کننده نسبت به تطبیق قرارها و فیصله ها همه ی تلاش های را که برای احقاق حق صورت گرفته به بن بست مواجه می سازد.

یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان میدهد که با وجود پیشرفت های حاصله در این زمینه باز هم مشکل تطبیق قرارها و فیصله های محاکم هم چنان به جای خود باقی است. این موضوع به ویژه در فیصله های حقوقی و به گونه خاص در دعاوی مربوط به ملکیت ها یک مشکل جدی می باشد، موضوع که بی اعتمادی مردم نسبت به عملکرد سیستم قضایی را افزایش می دهد.

عدم حاکمیت کامل دولت در تمام مناطق کشور، اقتدار گروپها و افراد واشخاص زورمند، ناامنی و عدم حاکمیت قانون، عدم نظارت دقیق بر عملکرد نهاد های تطبیق کننده و وجود زمینه های ارتشا و فساد اداری از مهمترین عوامل عدم تطبیق کامل فیصله محاکم می باشد.

### **بخش سوم: وضعیت اعتماد و رضایت مردم از عملکرد محاکم**

دستگاه قضایی به مثابه نهاد تامین کننده عدالت مرجع و ملجاء شهروندان برای احقاق حقوق و تضمین کننده آزادی های اساسی آنان می باشد. براین اساس انتظارات و توقعات مردم از این نهاد آنست که نه تنها با بی نظمی ها و بی عدالتی ها و بی قانونی های اشخاص و نهاد های دیگر مبارزه نماید؛ بلکه خود سمبل قانونمداری و عدالت محوری باشد.

دربخشهای قبلی این گزارش وضعیت فعلی محاکم و چگونگی عملکرد آن مورد بررسی قرار گرفت؛ اما یکی از شاخصه های مهم در بررسی موفقیت و یا ناکامیهای سیستم قضایی کشور میزان اعتماد مردم به دستگاه قضایی و رضایت مردم از عملکرد محاکم می باشد. زیرا میزان اعتماد و رضایت مندی مراجعین به یک نهاد یکی از نشانه های اصلی مقدار کارآمدی آن نهاد محسوب می گردد.

البته در بررسی نهاد های همانند محاکم، نباید تنها بر عنصر رضایت از عملکرد آنها تکیه نمود زیرا ماهیت عملکرد اینگونه نهاد ها به گونه ی است که اصولاً نمی توانند رضایت همگانی را جلب نماید زیرا لاقلاً یک طرف قضیه که خود را بازنده احساس می کند، طبیعتاً از آنچه در محکمه اتفاق افتاده ناراض می باشد.

اما این واقعیت نمی تواند ارزش شاخصه رضایت از عملکرد محاکم را برای بررسی موفقیت های آن انکار نماید زیرا رضایتمندی طیف وسیع از مراجعین به محاکم بویژه از چگونگی طی فرایند عدلی و قضایی و همچنین میزان و مقدار رضایت مندی عموم مردم از نحوه عملکرد محاکم به ویژه نظرات وکلای مدافع، رسانه ها و نهاد های مدنی و... می تواند میزان خوبی برای بررسی موفقیت ها و ناکامیها دستگاه قضایی کشور محسوب گردد.

اما مهمتر از عنصر رضایت عنصر اعتماد است. اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و محاکم شاخصه بسیار مهم در بررسی این گونه نهادها به شمار می رود. اعتماد عمومی تنها در صورت عملکرد درست و قاطع و قانونی محاکم به وجود می آید. در این صورت حتی افرادی که در یک دعوا بازنده شده و از نتیجه حکم محکمه ناراض می باشند، نیز نسبت به اجراءات محاکم برای تامین عدالت اعتماد خواهند داشت.

گزارش حاضر که در نتیجه تحقیقات و بررسی های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از طریق معلومات به دست آمده از راهها و روش های مختلف از جمله از طریق گفتگو مستقیم با قضات، خانونالان، وکلای مدافع، نهاد های مدنی، مراجعین به محاکم و سایر منابع در دسترس کمیسیون تهیه گردیده است، نشان میدهد که میزان رضایت مردم از عملکرد محاکم در سطح مناسب قرار ندارد.

نارضایتی مردم از سیستم قضایی و عملکرد محاکم بیشتر به دلیل عدم دسترسی آسان آنان به محاکم و قضات و اعتقاد آنان به وجود فساد اداری، رشوه ستانی، تعلل، کم کاری، عدم رعایت اصل بی طرفی و عدم رعایت معیار های محاکمه عادلانه توسط قضات ناشی می گردد.

با آنکه در مصاحبه های که کمیسیون با قضات و یا روسای محاکم داشته آنها کمتر به این معضل اذعان نموده اند؛ اما میزان نارضایتی مردم از عملکرد محاکم و عدم اعتماد کامل آنها به اجرای عدالت توسط محاکم و یا بی باوری آنها به حل و فصل به موقع و عادلانه قضایای شان در محاکم، نشان دهنده مشکلات جدی در این زمینه می باشد.

ناظرین کمیسیون گزارش کرده اند که غیر حاضری قضات به طور گسترده باعث ملتوی ماندن قضایا شده است. این امر سبب می شود تا مراجعین به مکانیزم های غیر رسمی رو بیاورند و یا اینکه دست به ارتشا بزنند. وقت تلفی و سرگردانی مردم به دلیل ملتوی ماندن قضایا، زمینه ترویج و گسترش فساد اداری و ارتشا را فراهم می کند.

شهروندان ولایت های سرپل و سمنگان در مصاحبه با ناظرین کمیسیون نارضایتی شان را از مسوولین و عملکرد محاکم این ولایت ها ابراز نموده و گفته اند که غیر حاضری قضات، زمینه ارتشا و فساد اداری را فراهم ساخته است. بی اعتمادی مردم به عملکرد محاکم افغانستان سبب گردیده بسیاری از مردم در اطراف کشور به محاکمات محلی که توسط ملا امامان و جرگه های قومی انجام می شود، رجوع نمایند. گفته می شود حتی در برخی از ولسوالی های جنوب غرب افغانستان محاکمات صحرایی و روستایی گروه طالبان رونق بیشتری نسبت به محاکم صالحه دارد.

تحقیقات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در بسیاری از ولسوالی های جنوب و جنوب غرب نشان میدهد که عدم رعایت معیار های محاکمه عادلانه، ساختار های کهنه سنتی در سیستم عدلی و قضایی کشور، نبود کادر مسلکی و ورزیده، پایین بودن شمار قضات زن، افزایش جمعیت و گسترش نزاع و کشمکش ها از چالش های بزرگ و عمده در برابر سیستم عدلی افغانستان می باشد، که باعث شده تا هزاران نفر در شهر های بزرگ کشور، ماه ها و حتی سال ها به خاطر حل دعاوی شان سرگردان بوده و نسبت به دستگاه قضایی افغانستان بدبین شوند و در نتیجه همان فیصله عرفی و محلی را بر اجراءات محاکم ترجیح دهند.

مردم مدعی اند که عملا از حق دسترسی به محاکم عادلانه محروم بوده و بعضا اگر به دولت رجوع نمایند با تاخیر زمانی زیادی مواجه می شوند که خود این امر آنان را از رسیدگی توسط دولت و ارگان های قضایی نا امید می سازد. از همین روست که مردم بیشتر نسبت به دستگاه قضایی بدبین شده اند.

یافته های کمیسیون از انجام مصاحبه ها با برخی نهاد های مدنی و مطبوعات، نشان میدهد که بیشترین انتقادهای که این نهاد ها از کار کرد محاکم دارند، در ارتباط به وجود فساد، رشوت و حاکمیت روابط بر ضوابط و معضلات ناشی از آن می باشد.

بر علاوه مردم در بعضی از مناطق به نسبت عدم حاکمیت دولت و یا موجودیت خطر مخالفین مسلح دولت، نسبت به اجراءات محاکم دولتی اعتماد خود را از دست داده اند. عدم هماهنگی نهاد های عدلی و قضایی و عدم تطبیق کامل فیصله های محاکم توسط نهاد های تطبیق کننده نیز از دلایل کاهش اعتماد مردم به سیستم قضایی و عملکرد محاکم گردیده است.

دلایلی دیگر از جمله موجودیت بروکراسی و طولانی بودن فرایند عملی نهاد های عدلی و قضایی و تحمیل هزینه های زیاد و کمر شکن آن برای مراجعان به نهاد های عدلی و قضایی نیز برای کاهش رضایت مردم از محاکم و افزایش بی اعتمادی به سیستم قضایی گردیده است.

عدم دسترسی به وکیل مدافع و خدمات مساعدت حقوقی و از آن بدتر عدم توجه کافی قضات به لایحه دفاعیه متهم ویا وکیل مدافع آنها و صدور فیصله قضایی تنها با توجه به صورت دعوی سارنوال نیز از جمله موارد نارضایتی از عملکرد محاکم شمرده می شود.

عدم حاکمیت قانون و تداوم فرهنگ معافیت به ویژه معافیت جنایتکاران و افراد زورمند و تطبیق قانون تنها بر افراد غریب موجب بد بینی مردم به قانون و قضا و کاهش اعتماد مردم نسبت به تامین عدالت توسط محاکم می گردد.

با وجود آنکه تلاش های متعددی برای اصلاح سیستم قضایی در افغانستان صورت گرفته و عملاً دیده می شود که معاش قضات بلند برده شده، تعداد زیادی از تحصیل یافته گان رشته های حقوقی در کادر قضاء جذب گردیده اند و سطح آگاهی قضات نسبتاً بالا رفته است و گامهای نیز برای مبارزه با فساد اداری از طریق کنترل و تفتیش قضایی ستره محکمه صورت گرفته است. اما این برنامه به قدر کافی جامع و موثر نبوده و عملاً نتایج خیلی زیادی نداشته است

از جمله فعالیت ها و دست آورد های ستره محکمه طی سال های 1385 – 1389 در زمینه حاکمیت قانون و عدالت قضایی در امر مبارزه با فساد اداری دستگیری و مورد تعقیب عدلی قرار دادن تعداد (114) نفر قاضی، محرر، کارمندان اداری، رهنمای معاملات، کمیشن کار و کسانی که به ارتباط مسایل سوء استفاده از موقعیت و وظیفوی و اخذ رشوت بر شمرده شده است و هم چنان توسط ستره محکمه به تعداد (107) قاضی و (31) محرر بخاطر تخلف و وظیفوی مجازات تادیبی شده اند. بیش از (50) نفر که خلاف نورم های پذیرفته شده و نداشتن اسناد تحصیلی در رشته های حقوقی انسلاک قضایی بدست آورده و در کادر قضا شامل شده بودند، نسبت و اجد شرایط نبودن از پست قضاء منفک و یا در بست های اداری توظیف شده است. علاوه بران ستره محکمه تلاش های را به منظور ساده سازی سیستم ها و پروسیجرها به منظور موثریت بیشتر کاری، شفافیت کادری و نیز توجه به حل مشکل معاشات قضات، انجام داده است.

ولی به دلایل عدم موجودیت نظارت و کنترل جدی، ضعف حاکمیت قانون، ریشه دار بودن فساد اداری در افغانستان و عدم آگاهی مردم از حقوق شان زمینه های مناسبی برای تداوم و گسترش رشوت خوری و سوء استفاده از مقام و موقعیت وجود دارد. و متأسفانه برنامه های اصلاحی تاکنون نتوانسته است این معضل را ریشه کن نماید.

## پیشنهادات

- دولت افغانستان می بایست به منظور گسترش و تحکیم قانونیت، و تامین عدالت اقداماتی مشخصی را برای فعال سازی محاکم در تمام ولسوالی های کشور روی دست گیرد تا زمینه دسترسی آسان مردم را به سیستم های رسمی جهت تامین عدالت، فراهم ساخته و جلوی رشد مراجعه مردم به سیستم های غیر رسمی متناقض با قوانین و معیار های شرعی و حقوق بشری را سد نماید و نهادها و مراجع تامین کننده امنیت می بایست فعالانه در تامین امنیت قضات و مسوولان محاکم تدابیر لازم امنیتی و محافظتی را اتخاذ نماید.

- به مقام ستره محکمه پیشنهاد می شود تا اقدامات سریع را برای استخدام پرسنل مسلکی و اداری جهت تکمیل تشکیل محاکم اتخاذ نموده و آن عده از قضات و مسوولین محاکم که نسبت کیر سن قادر به کار نمی باشند، را به تقاعد سوق داده و در عوض کدر های جوان را استخدام نمایند.
- به منظور پایبندی قضات و کارمندان اداری محاکم به وظایف شان و اطمینان از اجرای درست و به موقع وظایف، ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان می بایست از عملکرد محاکم نظارت و کنترل جدی تر به عمل آورد و مشخصا پیشنهاد می گردد بانصب یک دستگاه پیامگیر در مقر ستره محکمه به منظور آگاهی از وضعیت حضور و غیابت قضات در محاکم و آگاهی دهی وسیع در باره آن به مردم، زمینه سرگردانی و بلاتکلیفی مراجعین به محاکم و شیوع و گسترش رشوت ستانی را از بین ببرد.
- ستره محکمه و نهاد های همکار با سیستم قضایی کشور می بایست نسخه های بیشتر از قوانین مورد نیاز قضات را برای قضات آماده و به دسترس شان قرار دهند و هم چنان وزارت عدلیه در امر دسترسی قضات به نسخه های قوانین جدید با ستره محکمه همکاری لازم نماید.
- دولت جمهوری اسلامی افغانستان و به طور اخص ستره محکمه به منظور تطبیق و اجرای درست تمامی موازین و معیار های محاکمه عادلانه باید توجه لازم مبذول نمایند و در رفع کاستی ها و موانع که باعث می شود این معیار ها بصورت درست رعایت نگردد، کوشش صورت گیرد.
- ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان و دیگر محاکم کشور باید اصل قانونیت جرایم و مجازات ها را منحنیث یک پرنسیب شناخته شده ی عام و کلی در ساحه حقوق جزا که در قانون اساسی و سایر قوانین جزایی کشور تضمین گردیده است، رعایت نموده و نسبت به متخلفین در دستگاه قضایی برخورد نماید.
- آموزش و آماده سازی کادر های ماهر و مسلکی برای نهادهای عدلی و قضایی به برنامه و عملکرد چند نهادی ضرورت دارد. بنابراین تمامی نهادهای مرتبط و تاثیر گزار به شمول ستره محکمه، لوی سارنوالی، وزارت عدلیه و وزارت تحصیلات عالی، تدابیر و تمهیدات مشخص و موثر و همه جانبه را برای تدوین و انکشاف، جامع سازی و تطبیق نصاب های تحصیلی، تحصیلات عالی، اتخاذ و عملی نمایند.
- دوره های استاژ قضایی و دیگر دوره های آموزشی برای ارتقا دانش مسلکی قضات تعمیم و توسعه یافته و برنامه های این دوره ها اعم از دوره های دراز مدت و کوتاه مدت دایما نوسازی

وارتقا یابد و از سوی دیگر زمان کافی و متناسب برای این دوره ها بویژه دوره های کوتاه مدت در نظر گرفته شود و از همه مهمتر زمینه دسترسی و استفاده تمام قضات بر حال و متقاضیان قضاوت به این گونه برنامه ها فراهم گردد.

- برنامه ریزی های دقیق تر برای غنا مندی نصاب درسی دوره های استاژ و دوره های آموزش کوتاه مدت و یا آموزش حقوق بشر و استفاده از استادان آگاه و مجرب در مسایل دینی و حقوق بشری روی دست گرفته شود.

- برای افزایش مستمر آگاهیهای حقوقی و اطلاع جامع قضات از قوانین کشور، زمینه های آموزش ضمن خدمت جهت آشنایی آنان با موضوعات و قوانین جدید و کنوانسیون بین المللی و تعهدات افغانستان و مکلفیت های قضات در قبال آنها برای تمامی قضات فراهم گردد.

- به همین منظور، زمینه دسترسی قضات به قوانین داخلی به ویژه قوانین تازه انفاذ شده و معاهدات بین المللی که افغانستان به آنها متعهد است و سایر منابع حقوقی و قانونی از طریق توزیع منظم و به موقع قوانین داخلی و کنوانسیون های بین المللی فراهم ساخته شود. علاوه بر آن تلاش گردد زمینه دسترسی قضات به اینترنت فراهم گردیده و آموزش های لازم به قضات در این زمینه ارائه گردد.

- اقدامات سریع و اساسی برای حل مشکلات رهائشی و ترانسپورته قضات که تاثیر مستقیم بر میزان دسترسی آسان مردم به محاکم دارد، روی دست گرفته شود. ستره محکمه بدون اعمال تبعیض زمینه استخدام و رشد قضات محلی را بر اساس اصل شایستگی فراهم سازد.

- با توجه به اینکه کمبود زنان پولیس، حارنوال، وکیل مدافع و قاضی از عوامل عمده مشکلات زنان در امر دسترسی به عدالت می باشد. راهها و راهکارها و برنامه های مشخصی برای افزایش حضور زنان در این مشاغل و مناسب از طریق زمینه سازی افزایش محصلین اناث در رشته های حقوق و شرعیات، تدویر دوره های استاژ و اعتماد سازی برای حضور بیشتر آن در این مشاغل و مناسب روی دست گرفته شود.

- محاکم باید به کرامت انسانی و اصل فرضیه ی بی گناهی متهم احترام گذاشته و نباید قبل از قطعیت و نهانی شدن فیصله محکمه با صلاحیت و قبل از قطعی شدن حکم در مورد قضیه پیش داوری نمایند. همچنین تا زمانیکه موافقه صریح طرفین دعوا و تایید قاضی حاصل نشود. از ثبت تصویری یا سمعی و یا پخش مستقیم جریان محاکمه به خارج از جلسه خود داری گردد و در موارد خاص در این زمینه مسئولانه عمل شود.

- قضات محترم می بایست اصل تحصیل دلیل به روش های قانونی را در هنگام محاکمه احراز نموده و از قانونی بودن روش های جمع آوری دلایل توسط سارنوالی اطمینان حاصل نموده و به اعتراضات و دفاعیات متهم و وکیل مدافع آن به صورت لازم توجه نمایند.
- اقدامات سریع و عملی برای پایان بخشیدن، نگهداری غیر قانونی برانت یافته گان در محلات سلب آزادی روی دست گرفت شود. براساس ماده 8 مقرر طرز سلوک قضایی محاکم و قضات محترم ملزم گردند تا از تطبیق و اجرای تمام قرار ها و احکام صادره خویش در حدود مجوزه قانونی مراقبت نماید.
- عملکرد درست و عادلانه محاکم رابطه تنگاتنگ و انکار ناپذیر با دسترسی و برخورداری متهم به خدمات وکالت دفاع و مساعدت حقوقی دارد. بنابراین حضور، نقش و سهم وکیل مدافع در تمام مراحل قضایی ضروری و جدی گرفته شود و اهمیت لازم و کافی به حضور وکیل مدافع و یا مساعد حقوقی در جریان محاکمه و توجه کافی به دفاعیات وکیل مدافع و یا مساعد حقوقی توسط قضات در محاکم داده شود.
- دولت باید اقدامات موثر و عملی برای دسترسی مردم به خدمات وکالت دفاع و مساعدت حقوقی در سراسر کشور از طریق افزایش و توسعه وکلای مدافع مستقل، موسسات ارائه دهنده خدمات حقوقی و به ویژه در زمینه مساعدت حقوقی برای افراد بی بضاعت و فعال شدن اداره مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه روی دست گیرد. توسعه و تعمیم تشکیل اداره مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه در تمامی ولایات (اعم از ولایت درجه یک و درجه دو و درجه سه) و راه اندازی پروگرام های آگاهی عامه برای آشنایی مردم با این گونه خدمات با استفاده از روش های متعدد و مختلف بسیار مهم، موثر و ضروری می باشد.
- باتوجه به اینکه در موارد زیادی مراجع تحقیق و تعقیب و ادارات مربوط به امنیت ملی همکاری لازم را با وکلای مدافع و مساعدین حقوقی برای دسترسی آنها به دوسیه و مظنونین و حضور در جلسات تحقیق ندارند، ادارات مذکور به همکاری با وکلای مدافع و مساعد حقوقی ملزم ساخته شود و بر اجراء آنها نظارت دقیق صورت گیرد.
- با توجه به این که از یک سو، بسیاری از زنان به دلایل مختلف قادر به دفاع از خود نبوده و آگاهی و توانایی های لازم را در رابطه به احقاق حقوق شان ندارند و نمی توانند به درستی قضایای شان را با وکلای مدافع مرد در میان بگذارند. از سوی دیگر در نتیجه نبود و یا کمبود وکلای مدافع و مساعدین حقوقی زن، بسیاری از زنان از حق دسترسی و یا برخورداری از وکلای مدافع و مساعد حقوقی محروم می باشند ضروری است اقدامات موثر در زمینه افزایش شمار وکلای مدافع زن روی دست گرفته شود.

- تمامی محاکم و مسوولین قضایی می بایست قضایای تحت کار خویش را در موعد معین در قانون بصورت عادلانه مورد رسیدگی قرار دهند و هم چنان وزارت عدلیه و اداره محابس و توقیف خانه ها می بایست تدابیر لازم را در حل مشکل متهمین بدون سرنوشت، با در نظر داشت حکم ماده ششم قانون اجراءات جزایی موقت در مطابقت به احکام قانون محابس و توقیف خانه ها اتخاذ و عملی نمایند.

پایان.